

نام کتاب: داستانهای از بازگشت  
ائمه عليهم السلام به این دنیا

نویسنده : سید عبدالله حسینی

## پیشگفتار

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### رجعت

(رجعت) در لغت به معنای (بازگشتن به سوی دنیا) است. <sup>(۱)</sup>

و در اصطلاح عبارت است از :

(بازگشت بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران به این دنیا، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام). <sup>(۲)</sup>

از جمله اجماعیات و ضروریات مذهب شیعه ، حقیقت رجعت است ، یعنی پیش از قیامت ، در زمان حضرت مهدی (عج) و بعد از آن حضرت ، جمعی از مؤمنان خالص و جمعی از کافران خالص <sup>(۳)</sup> . و به عبارت دیگر جمعی از نیکان بسیار نیک و جمعی از بدان بسیار بد، به دنیا بر می گردند.

خوبان و نیکان و مؤمنان خالص به دنیا بر می گردند برای اینکه با دیدن دولت ائمه علیهم السلام دیده هایشان روشن گردد و مقداری از جزای خوبی هایشان در دنیا به آنها برسد.

و بدان و کافران محض ، به دنیا بر می گردند برای اینکه به عقوبت و عذاب دنیوی برسند. و دولتی که نمی خواستند به اهل بیت علیهم السلام برسد را مشاهده کنند، و همچنین برای اینکه شیعیان از ایشان انتقام بگیرند.

و سایر مردم در قبرها می مانند تا روز قیامت محشور شوند. چنانچه در احادیث بسیار وارد شده که رجوع نمی کند در رجعت مگر کسیکه ایمان خالص داشته و یا کافر

محض باشد، اما سایر مردم به حال خود باقی می مانند، تا روز قیامت .<sup>(۴)</sup>

نظر علمای شیعه در اثبات رجعت مرحوم علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: ... اکثر علمای امامیه دعوی اجماع بر حقیقت رجعت کرده اند مانند: محمد بن بابویه در رساله اعتقادات - شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طبرسی و سید بن طاووس و غیر ایشان از اکابر علمای امامیه ... . و نیز می فرماید:

و همچنین می فرماید: چگونه ممکن است شخص با ایمانی که حقانیت اهل بیت علیهم السلام را باور کرده در مورد رجعت تردید کند، در صورتی که نزدیک به ۲۰۰ حدیث صریح از امامان اهل بیت علیهم السلام به طور متواتر به دست ما رسیده و بیش از چهل تن از بزرگان شیعه از قبیل شیخ طوسی ، شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی ، شیخ صدوق و کلینی و امثال آنها در آثار پراچ خود گرد آورده اند.

سپس می فرماید: من تصوّر می کنم که هر کس در مورد رجعت تردید کند، او در مورد امامان اهل بیت شک دارد، چون آن را نمی تواند در میان شیعیان ابراز کند، برای تخریب آئین مقدّس و برای گول زدن افراد ضعیف الایمان چنین اظهار می کند که اهل بیت را قبول دارد و رجعت را قبول ندارد.<sup>(۵)</sup>

مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمه الله علیه صاحب کتاب شریف (وسائل الشیعه) می فرماید: احادیث رجعت متواتر است و هرگز قابل تأویل نیست .<sup>(۶)</sup>

و نیز می فرماید: ثبوت رجعت از ضروریّات مذهب شیعه است .<sup>(۷)</sup>

شیخ مجتبی قزوینی می فرماید:  
(احادیث باب رجعت انصافاً از حدّ تواتر  
بیشتر است ، اگر کسی تواتر اجمالی آن را  
هم نپذیرد از مقام علم و عقل دور است .)  
(۸)

امین الاسلام طبرسی می فرماید:  
(همه شیعیان امامیه در مورد رجعت  
اجماع کرده اند و اخبار آن را تاءید می  
کند و لذا هرگز جای تاءویل نیست .)  
(۹)  
شیخ مفید نیز عقیده به رجعت را مورد  
اتفاق همه شیعیان دانسته است .  
(۱۰)  
شیخ ابن بابویه در کتاب من لا یحضره  
الفقیه روایت کرده است از حضرت امام  
صادق علیه السلام که فرمود:  
لیس منا من لم یؤ من بکرتنا و لم  
یستحل متعتنا

از ما نیست کسی که ایمان به بازگشت  
ما نداشته باشد، و متعه را حلال نداند  
من لایحضره الفقیه : ج ۳ ، ص ۴۵۸

امام حسین علیه السلام برای هر ضربتی  
یک ضربت می زند  
امام صادق علیه السلام فرمود:  
اول کسی که در رجعت به دنیا باز می  
گردد امام حسین علیه السلام و اصحاب  
باوفای ایشانند، آنگاه یزید و یاراناش  
نیز بر می گردند.  
امام حسین علیه السلام همه آنها را می  
کُشد، دقیقاً برای هر ضربتی یک ضربت می  
زند .  
(۱۱)

هر کس به هفت چیز اقرار کند مؤمن است  
حضرت صادق علیه السلام فرمود:  
هر که اقرار کند به هفت چیز مؤمن است  
(و از جمله آنها ایمان به رجعت را ذکر  
کرده است .)  
هر که اقرار کند به یگانگی خدا،

و اقرار کند به رجعت ،  
و به متعه زنان ، و به حج تمتع ، و  
ایمان بیاورد به معراج ،  
و به سؤال قبر، و حوض کوثر، و شفاعت  
، و خلق بهشت و دوزخ ، و صراط و میزان ،  
و بعثت و نشور و جزا و حساب ، پس او مؤمن  
است به حق و راستی و او از شیعیان ما  
اهل بیت است . (۱۲)

### حادثه بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

علی بن مهزیار یکی از نیک بختانی است  
که سعادت تشرّف به پیشگاه حضرت بقیة الله -  
روحی فداه - را پیدا کرده و داستانش  
مشهور است .

در این تشرّف قسمتی از علایم ظهور و  
برنامه های جهانی آن حضرت را از زبان  
مبارکش شنیده است .

هنگامی که حضرت بقیة الله از ورود خود به  
مدینه و بیرون آوردن جسد نحس آن دو نفر  
و به دار آویختن آنها سخن گفت علی بن  
مهزیار پرسید:

پس چه حوادثی روی می دهد ای سرور من ؟  
فرمود: (رجعت ، رجعت ، رجعت) . (۱۳)

حضرت مهدی علیه السلام قرض شیعیان را  
ادا فرماید

امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی علیه السلام به سوی کوفه  
برگردد و حق - سبحانه و تعالی - از  
آسمان طلا بباراند برای ایشان به شکل ملخ  
، چنانچه بر حضرت ایوب بارید و حضرت  
قسمت نماید به اصحابش گنج های زمین را  
از طلا و نقره و جواهر.

مفضل پرسید: اگر یکی از شیعیان شما بمیرد و قرضی از برادران مؤمن در ذمه او باشد چگونه خواهد بود؟

امام صادق علیه السلام فرمود:  
حضرت مهدی علیه السلام ندا فرماید در تمام عالم که ، هر که قرضی بر یکی از شیعیان ما داشته بیاید و بگوید، پس همه را ادا فرماید، حتی يك دانه سیر و يك دانه خردل (۱۴). (۱۵)

اوّل کسی که به دنیا بر می گردد امام حسین علیه السلام است  
قال الصادق عليه السلام :  
(اوّل من يرجع الى الدنيا، الحسين بن علي عليه السلام فيملك حتى يسقط حاجباه على عينيه من الكبر...).

امام صادق علیه السلام فرمود:  
( اوّل کسی که در رجعت به دنیا بر می گردد حضرت امام حسین علیه السلام خواهد بود و آن مقدار حکومت و رهبری خواهد کرد که از پیری موهای ابروهای او بر روی دیده اش آویخته شود). (۱۶)

## خبر دادن امام حسین علیه السلام از بازگشت خویش به دنیا

جابر از امام باقر علیه السلام روایت می کند: حضرت امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا پیش از شهادت فرمودند:  
(جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود:

ای فرزندان! تو را به سوی عراق خواهند برد، در زمینی که پیغمبران و اوصیای ایشان در آنجا یکدیگر را ملاقات کرده اند یا خواهند کرد، و آن زمین را (عمورا) می گویند، در آنجا شهید خواهی شد و با تو جماعتی از اصحاب تو نیز به شهادت خواهند رسید، که درد و رنج بریدن آهن به ایشان

نخواهد رسید، چنانچه آتش را حقتعالی بر حضرت ابراهیم علیه السلام سرد و سلام گردانید، همچنین آتش جنگ بر تو و اصحاب تو سرد و سلام خواهد شد).<sup>(۱۷)</sup> امام حسین علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمود:

(بشارت باد شما را، شاد باشید که ما به نزد پیغمبر خود می رویم، پس می مانیم در آن عالم آنقدر که خدا بخواهد. پس اول کسی که زمین شکافته می شود و از زمین بیرون می آید من خواهم بود و همراه بیرون آمدن من، بیرون خواهد آمد امیرالمؤمنین علیه السلام و قیام خواهد کرد قائم ما علیه السلام پس نازل می شود بر من گروهی از آسمان از طرف حق تعالی (که هرگز بر روی زمین فرود نیامده باشند) با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکرها از ملائکه.

و فرود می آید محمد و علی (علیهما السلام) و من و برادرم و جمیع آنها که خدا بر ایشان منت گذاشته از انبیاء و اوصیاء، سوار شده بر اسبان خدائی ابلق<sup>(۱۸)</sup> از نور، که هیچ مخلوقی پیش از آنها، بر آنها سوار نشده است.

پس حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله علم خود را به دست می گیرد و حرکت می دهد و شمشیر خود را به دست قائم ما می دهد، پس بعد از آن، آنچه خدا خواهد می نمائیم.

پس از آن حقتعالی بیرون می آورد از مسجد کوفه چشمه ای از روغن و چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر.

پس آنگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به من می دهد و مرا به جانب مشرق و مغرب بفرستد، پس هر که دشمن خدا باشد خونش را بریزم و هر بتی را بیابم

بسوزانم تا اینکه به زمین هند برسم و  
جمیع بلاد هند را فتح کنم .  
و حضرت دانیال و یوشع زنده شوند و  
بیایند به سوی حضرت امیرالمؤمنین علیه  
السلام و گویند:  
(راست گفتند خدا و رسول او در وعده ها  
که دادند).

پس هفتاد نفر با ایشان بفرستد به سوی  
بصره که هر که در مقام مقاتله در آید او  
را بکشند، و لشکری به سوی بلاد روم  
بفرستد که آنها را فتح کنند.

پس هر حیوان حرام گوشت که باشد بگشتم  
تا آنکه به غیر حلال و پاک و پاکیزه در  
روی زمین نباشد . . . . یهود و نصاری و سایر  
ملل را مخیر گردانم میان اسلام و شمشیر،  
پس هر که مسلمان شود منت گذارم بر او و  
هر که اسلام را نخواهد خونش را بریزم .

و هیچ مردی از شیعیان ما نماند مگر  
آنکه خدا ملکی به سوی او بفرستد که خاک  
را از روی او پاک کند و زنان و منزل او  
را در بهشت به او نشان دهد.

و هر کور و زمین گیر و مبتلایی که باشد  
خدا به برکت ما اهل بیت آن بلاها را از  
او دفع نماید.

و حق تعالی برکت را از آسمان به زمین  
فرو فرستد به مرتبه ای که شاخه های  
درختان میوه دار از زیادی میوه بشکند و  
میوه تابستان در زمستان و میوه زمستان  
در تابستان به عمل آید و این است معنی  
قول حق تعالی که فرمود:

**(وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقُوا  
لَفَتَحْنَا...)**

(و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می  
آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات  
آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم ؛  
ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم



آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم  
(۱۹).

سپس فرمود:

خداوند به شیعیان ما کرامتی ببخشد که مخفی نماند بر ایشان هیچ چیز در زمین و آنچه در زمین است، حتی آنکه اگر کسی بخواهد از احوال خانواده خود اطلاع حاصل کند خدا به او الهام می کند به آنچه که آنها انجام می دهند (۲۰).

حساب خلایق در رجعت با امام حسین علیه السلام است

قال الصادق علیه السلام :

(انّ الذی یلی حساب الناس قبل یوم القیامة الحسین بن علی علیهما السلام فاءما القیامة فانما هو بعث إلى الجنة و بعث إلى النار)

از امام صادق علیه السلام روایت شده : حساب خلایق با حضرت امام حسین علیه السلام خواهد بود در رجعت پیش از قیامت و اما قیامت، پس در قیامت مردم مبعوث می شوند تا به بهشت یا به جهنم بروند. (۲۱)

یاران امام حسین علیه السلام هنگام بازگشت آن حضرت به دنیا از امام صادق علیه السلام روایت شده که :

گروهی از فرشتگان از خدای تبارک و تعالی اجازه گرفتند که برای یاری امام حسین علیه السلام نازل شوند، چون به سرزمین کربلا رسیدند امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده بود.

به آنها خطاب شد ملازم قبر او باشید تا وقتی که خروج کند، در آن روز از یاران او خواهید بود، این فرشتگان همواره در کنار قبر آن حضرت هستند و برای آن حضرت گریه می کنند تا روزی که خارج شود و آنها از یاران و یاوران او باشند. (۲۲)

در برخی منابع تعداد همراهان امام حسین علیه السلام ۹۵ هزار نفر آمده است .<sup>(۲۳)</sup>

امام حسین علیه السلام چهل هزار سال حکومت می کند:

امام صادق علیه السلام فرمود:  
(نخستین کسی که در رجعت بر می گردد حسین بن علی علیه السلام است ، چهل هزار سال در روی زمین می ماند، تا از کثرت سن، ابروانش بر روی چشمهایش بریزد).<sup>(۲۴)</sup>

امام حسین علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را غسل می دهد  
(ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَاَعْمَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا)<sup>(۲۵)</sup>

(سپس شما را بر آنها چیره می کنیم ؛ و شما را بوسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم ).  
در تفسیر آیه شریفه ۶ از سوره اسراء چنین روایت شده :

... امام حسین علیه السلام با هفتاد نفر از یارانش ، که خودهای<sup>(۲۶)</sup> دو روی طلا بر سر دارند، و به مردم اعلام می کنند که این حسین [ علیه السلام ] است که خارج شده است ، تا مؤمنان در مورد او دچار شك و تردید نشوند و خیال نکنند که شیطان یا دجال است . و این هنگامی است که حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم است .

هنگامی که همه مؤمنان امام حسین علیه السلام را شناختند و همگی یقین کردند که او حضرت حسین علیه السلام است ، اجل حضرت مهدی علیه السلام فرا می رسد و دیده از جهان فرو می بندد.<sup>(۲۷)</sup>

آنگاه امام حسین علیه السلام او را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می سپارد.

که هرگز امام را جز امام غسل نمی دهد. (۲۸)

مؤمنان و دشمنانشان زنده می شوند تا انتقام بگیرند  
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام  
روایت شده است که :  
(در رجعت ارواح مؤمنان با ارواح  
دشمنان ایشان به سوی بدن هایشان  
برگردند، تا حق خود را از ایشان  
بستانند.

هر کس را که عذاب و شکنجه کرده باشد  
از او انتقام بگیرند.  
و اگر مؤمنان را به خشم آورده باشند  
او را به خشم می آورند. و اگر مؤمنی را  
کشته باشند، در عوض او را بکشند.  
پس مؤمنان سی ماه بعد از کشتن دشمنان  
خود زندگانی می کنند و بعد از آن ، همه  
در يك شب بمیرند، مؤمنان به بهشت و  
دشمنان به بدترین عذابهای جهنم بر  
گردند). (۲۹)

## برگشتن حضرت عیسی علیه السلام در عهد امام زمان علیه السلام

علی بن ابراهیم در تفسیرش روایت کرده  
که :

شهر بن خوشب گفت ، حجاج به من گفت :  
در قرآن کریم آیه ای هست که تفسیرش  
مرا عاجز کرده است و نمی فهمم و آن آیه  
این است :

(وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ...).

یعنی : ( و هیچ يك از اهل کتاب نیست  
مگر اینکه پیش از مرگش به او [ یعنی  
حضرت مسیح ] ایمان می آورد... ) . (۳۰)  
حجاج گفت :

به خدا سوگند که من امر می کنم که  
گردن یهود و نصرانی را بزنند [تا بلکه  
ایمان بیاورند] و نظر می کنم که لب او  
حرکت نمی کند تا بمیرد.

شهر بن خوشب می گوید: به او گفتم :  
ای امیر این مراد [و منظور آیه ] نیست  
که شما فهمیده اید.

حجاج گفت :

پس [منظور آیه چیست و] چه معنی دارد.  
من گفتم :

[منظور آیه این است که ] حضرت عیسی  
علیه السلام پیش از قیامت از آسمان به  
زمین خواهد آمد، پس نمی ماند هیچ یهودی  
و غیر یهودی مگر آنکه ایمان به حضرت  
عیسی علیه السلام می آورند پیش از مردن  
عیسی علیه السلام و [آن حضرت ] در پشت سر  
حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند.  
حجاج گفت : وای بر تو این [مطلب و  
قضیه ] را از کجا آوردی و از چه کسی  
شنیده ای ؟

گفتم : از حضرت امام محمد باقر علیه  
السلام شنیده ام .

حجاج گفت : به خدا قسم که از چشمه صافی برداشته ای . (۳۱)

کسانی که در دنیا هلاک شدند به دنیا بر نمی گردند  
(وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلُكُنَّهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ). (۳۲)

(و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا باز گردند؛) آنها هرگز باز نخواهند گشت )

آنچه که از روایات استفاده می شود عده ای از خوبان و عده ای از بدان در رجعت بر نمی گردند و آنها عبارتند از : کسانی که در دنیا به عذاب الهی هلاک شده اند .

از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام روایت شده است که : (هر محلی که اهالی آن به عذاب الهی گرفتار و هلاک شده باشند در زمان رجعت باز نخواهند گشت .

و این آیه (و حرام علی قریة ...) از بزرگترین دلائل بر اثبات رجعت می باشد، به جهت آنکه در اسلام کسی نیست که منکر رجعت در قیامت و عالم آخرت باشد خواه آنکه به عذاب الهی هلاک شده و یا به مرگ عادی مرده باشد .

پس سخن خداوند (لایرجعون یعنی باز نخواهند گشت) مربوط به رجعت در عالم دنیا است ، چون در قیامت همگان رجعت می کنند و محشور می شوند تا اهل معصیت در آتش دوزخ گرفتار آیند . (۳۳)

بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم  
خداوند در قرآن کریم می فرماید :  
(رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ) .

(کافران (هنگامی که آثار شوم خود را ببینند) چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند). (۳۴)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه به نقل از وجود مقدس امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

(هنگامی که من و شیعیانم خارج شدیم [و به دنیا برگشتیم]، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم، کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند). (۳۵)

همه در اوج قدرت و نعمت زندگی می کنند امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:  
سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، در آن زمان [رجعت] همگی در اوج قدرت و نعمت زندگی می کنند. و از دنیا نمی روند جز اینکه يك هزار پسر برای آنها متولد شود، که همگی به دور از هرگونه بدعت و انحراف زندگی می کنند.

به کتاب خدا عمل می کنند و از سنت رسول الله پیروی می کنند و همه خطرات و نگرانیها از آنها دور می شود. (۳۶)

یزید چند بار به دنیا بر می گردد از بعضی روایات استفاده می شود که :  
یزید و یزیدیان چندین بار به این دنیا بر می گردند و در هر دفعه به کیفر اعمال خود می رسند.

اینک به سه دسته روایاتی که در این زمینه آمده است اشاره می کنیم :  
۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

(... گروهی از مؤمنان با صلابت پیش از قیام قائم علیه السلام برانگیخته می شوند و انتقام خون حسین علیه السلام و یارانش را می گیرند. (۳۷)

۲ - روایت شده :  
هنگامی که قائم ما قیام کند انتقام  
خون امام حسین علیه السلام را می گیرد.  
(۳۸)

۳ - و نیز روایت شده :  
در پایان عمر حضرت ولی عصر (عج) امام  
حسین علیه السلام با هفتاد نفر از اصحابش  
رجعت می کند و از یزید و یزیدیان قصاص  
می کند.  
(۳۹)

### آخرین برگشت علی علیه السلام به دنیا و کشته شدن شیطان

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ . قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ . إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ  
الْمَعْلُومِ (۴۰)

گفت : (پروردگارا! مرا تا روزی که  
انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده ) .  
فرمود : (تو از مهلت داده شدگانی . ولی  
تا روز و زمان معین ) .  
(۴۱)

امام صادق علیه السلام فرمود :  
(ابلیس از خدا خواست که او را تا روز  
قیامت مهلت دهد، ولی خداوند آن را رد  
کرد و فرمود :

(تا روز وقت معلوم تو از مهلت داده  
شده ها هستی ) (۴۲) ، چون روز وقت معلوم  
فرا رسد، ابلیس با تمام پیروانش که از  
زمان خلقت آدم تا آنروز از او پیروی  
کرده اند، ظاهر می شود ...)

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام  
برگردد و این آخرین برگشت آن حضرت است .

راوی گفت : مگر [علی علیه السلام ]  
رجعتهای بسیار خواهد کرد؟  
حضرت فرمودند : بلی .

و هر امامی که در قرنی بوده باشد  
نیکوکاران و بدکاران زمان او بر می  
گردند تا حق تعالی مؤمنان را بر کافران

غالب گرداند و مؤمنان از ایشان انتقام بگیرند.

پس چون آن روز [یعنی آخرین رجعت علی علیه السلام] برسد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برگردد با اصحابش، و شیطان نیز بیاید با اصحابش، و ملاقات ایشان در کنار فرات واقع شود نزدیک به کوفه، پس کشت و کشتاری بینشان واقع می شود که هرگز چنین قتلی واقع نشده باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا می بینم اصحاب حضرت امیر را که صد قدم از پشت سر بر می گردند و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود. پس ابری از آسمان فرود آید که پر شده باشد از ملائکه، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که اسلحه ای از نور در دست داشته باشد، در پیش آن ابر می آید، چون نظر شیطان بر آن حضرت بیافتد عقب نشینی کند، و اصحابش به او گویند: اکنون که پیروز شدی به کجا می روی؟

شیطان می گوید: من می بینم آنچه شما نمی بینید، من می ترسم از پروردگار عالمیان.

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به او می رسد و حربه<sup>(۴۳)</sup> در میان دو کتفش بزند که او و اصحابش همه هلاک شوند.

بعد از آن، همه مردم خدا را به یگانگی پرستند و هیچ چیز را با خدا شریک نگردانند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت خواهد کرد<sup>(۴۴)</sup>... پس در آنوقت دو باغ سرسبز که حقتعالی در سوره الرحمن فرموده در دو طرف مسجد کوفه به هم رسد.<sup>(۴۵)</sup>



## پیامبران ، علی علیه السلام را یاری خواهند کرد

و ابن بابویه به سند معتبر از حسن بن  
جهم روایت کرده است که :  
مأ مون از حضرت امام رضا علیه السلام  
پرسید که چه می گوئی در رجعت ؟  
امام رضا علیه السلام فرمود:  
حق است و در میان امتهای گذشته بوده  
است و قرآن مجید به آن ناطق است و رسول  
خدا صلی الله علیه و آله فرموده که : می  
باشد در این امت آنچه در امم سابقه بوده  
، مانند دو تای نعل که با هم موافقند و  
مانند پرهای تیر که با یکدیگر مساویند.  
(۴۶)

و حضرت رضا علیه السلام فرمود: چون  
مهدی از فرزندان من بیرون آید عیسی علیه  
السلام از آسمان به زمین فرود می آید و  
در عقب او نماز کند.  
و عیاشی از حضرت امام جعفر صادق علیه  
السلام روایت کرده است که فرمود: خلفای  
جور بر خود نام گذاشته اند و خود را  
امیرالمؤمنین می گویند که این نام مخصوص  
علی بن ابی طالب است و هنوز معنی این  
نام و تأویل او بر مردم ظاهر نشده است

راوی گفت : تأویل آن کی خواهد بود.  
فرمود: آن وقتی خواهد بود که حق تعالی  
جمع کند در پیش روی علی علیه السلام  
پیغمبران و مؤمنان را تا یاری کنند او  
را چنانچه حق تعالی فرموده است : **(وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ**  
**مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ ، ..)** . (۴۷)

پس در آن روز رسول خدا صلی الله علیه و  
آله عَلَّمَ را به علی بن ابی طالب می دهد،  
پس او امیر تمام خلائق خواهد بود و خلائق

همه در زیر عَلم آن حضرت خواهند بود و او امیر و پادشاه همه خواهد بود. <sup>(۴۸)</sup> این است تا ویل امیرالمؤمنین و معنی آن .

### جنگ صفین در رجعت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

علی ( علیه السلام ) را در زمین رجعتی خواهد بود با فرزندش حسین ( علیه السلام ) با علم خود، خواهد آمد تا انتقام بگیرد از بنی امیه و معاویه و آل معاویه و هر که با آن حضرت جنگ کرده باشد. پس خدا یاوران او را از اهل کوفه زنده کند و هفتاد هزار کس از سایر مردم ، پس با ایشان ملاقات می کند در صفین مثل مرتبه اول تا همه را بکشد و کسی از ایشان نماند که خبر بیرون برد، پس خدا ایشان را ببرد به سوی بدترین عذابها با فرعون . <sup>(۴۹)</sup>

امام زمان علیه السلام بعد از رحلتش به دنیا بر می گردند از مجموع روایات ( رجعت ) معلوم می شود که همه امامان معصوم علیهم السلام به دنیا برمی گردند. و همچنین تصریح شده که حضرت ولی عصر (عج) نیز بعد از رحلتش رجعت خواهد نمود.

و در روایات آمده است که قیام قیامت چهل روز پس از رحلت حضرت ولی عصر (عج) می باشد، و این مطلب مربوط به رحلت آن حضرت در رجعت است. <sup>(۵۰)</sup> وگرنه طبق سدها حدیث بعد از رحلت اولی حضرت بقیة الله روحی فداه ، اهل بیت عصمت و طهارت هزاران سال فرمانروائی خواهند داشت. <sup>(۵۱)</sup>

## زندگی سخت برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام در رجعت

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا.)

(هر کس از یاد من اعراض بکند برای او زندگی سخت و تنگی است). (۵۲)  
از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدند؟  
حضرت فرمود:  
(به خدا سوگند این آیه در حق دشمنان ماست).

راوی پرسید: جانم به فدایت ، گاهی می بینیم که آنها در طول زندگی با آسایش و وسعت زندگی می کنند و هرگز روی تنگی نمی بینند تا مرگشان فرا رسد. فرمود:  
(به خدا سوگند که مربوط به رجعت است). (۵۳)

و نیز روایت شده که :  
خوارک دشمنان اهل بیت در رجعت ، عذره (۵۴) انسان خواهد بود چنانچه حق تعالی فرموده است : (... ان له معيشة ضنكاً) (۵۵).  
آنانکه حق را دیدند و از آن اعراض کردند و از شاهراه حق و حقیقت منحرف شدند در موقع رجعت ، روز بسیار سختی دارند و در روز رستاخیز روزگار سخت تری در انتظار آنهاست .

ظاهر شدن علی علیه السلام در کنار خورشید  
(إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.)  
(اگر ما اراده کنیم ، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد). (۵۶)  
ابوبصیر می گوید از محضر امام باقر علیه السلام معنای این آیه را پرسیدم ،  
فرمود:

(منظور از نشانه علی بن ابی طالب علیه السلام است که يك ساعت در کنار خورشید ظاهر می شود و خورشید بالای سر مردم می ایستد، تا همگان او را ببینند و دقیقاً با حسب و نسبش بشناسند. در آن هنگام گردن بنی امیه در برابر علی علیه السلام خاضع می شود).

سپس فرمود:

(در آنروز بنی امیه آنقدر خوار می شوند که اگر یکی از آنها در زیر درختی پنهان شود، آن درخت بانگ می زند که اینجا يك نفر اموی است، او را بکشید).  
در حدیث دیگر امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: آری خداوند این نشانه را برای آنها آشکار می کند.

ابوبصیر پرسید: برای چه کسانی؟

فرمود: برای بنی امیه.

ابوبصیر پرسید: منظور از نشانه [در آیه] چیست؟

فرمود: (ایستادن خورشید از ظهر تا عصر در وسط آسمان، و ظاهر شدن صورت و سینه مردی در قرص خورشید که حسب و نسب او برای همه مردم روشن است. و آن در عهد سفیانی واقع می شود، که هلاکت سپاه سفیانی در آن موقع فرا می رسد). (۰۷)

برای من بازگشتی پس از بازگشت است  
امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن حدیث  
مفصلی می فرماید:

(خدای تبارک و تعالی از من و رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیمان گرفته که همدیگر را یاری کنیم، من حضرت محمد صلی الله علیه و آله را یاری کردم و در برابرش شمشیر زدم و دشمنش را کشتم و پیمانی را که بر عهده ام بود انجام دادم. ولی تا کنون هیچ پیامبری مرا یاری نکرده است، زیرا آنها پیش از من از دنیا رفته اند،

ولی به زودی وقت آن فرا می رسد که آنها نیز مرا یاری کنند).

(همه روی زمین از مشرق تا مغرب از آن من خواهد بود. خداوند همه پیامبران مُرسل را از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله زنده می کند و همه آنان در برابر من شمشیر می زنند و گردنکشان را از جنّ و انس، از زنده و مرده گردن می زنند).

(چقدر جای شگفت است؟! ... و چگونه تعجب نکنم از مردگانی که خداوند آنها را بر می انگیزد و همگی در حالیکه صدا می زنند: لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، يَا دَاعِيَ اللَّهِ! در کوچه های کوفه پراکنده شده شمشیرها را حمایل کرده، کافران، طاغیان و طاغوتیان را از اولین و آخرین گردن می زنند، تا خداوند وعده اش را تحقق بخشد.

(برای من رجعتی پس از رجعت، بازگشتی پس از بازگشت است. من رجعتهای مکرر دارم، من حمله ها و انتقامهای فراوان دارم، من حکومتهای بسیار دارم، من دژ آهنینم، من بنده خدا و برادر پیامبر خدایم).

(... من ظاهر شونده در قرص خورشیدم، من دابّة الارض، من قسم النّار، من خازن بهشت و صاحب اعرافم).  
(... من صاحب عصا و میسم هستم). (۵۸)

منظور از دابة الارض در قرآن علی علیه السلام است  
(وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ).

(و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند) (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آورند). (۵۹)

از نظر روایات اهل بیت عصمت و طهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابّة الارض

رجعت وجود مقدس شاه ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: مردی به عمّار یاسر گفت:

ای ابویقظان! (کنیه عمّار) آیه ای در قرآن مرا مضطرب کرده، افکار پوسیده ای بر دلم هجوم آورده.

عمّار فرمود: آن کدام آیه است؟

گفت: آیه (وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ...) نمی دانم که منظور از (دَابَّةُ الْأَرْضِ) در این آیه چیست؟

عمّار یاسر فرمود: من به خدای تبارک و تعالی سوگند می خورم که ننشینم و نخورم، جز اینکه او را به تو نشان دهم. عمّار با آن مرد راه افتادند و به خدمت مولای متقیان امیرمؤمنان شرفیاب شدند. حضرت علی علیه السلام خرما و گره میل می فرمودند.

علی علیه السلام خطاب به عمّار فرمودند: ای ابویقظان! بیا نزدیک. عمّار جلو رفت و مشغول خوردن شد.

آن مرد دچار شگفت شد. چون برخاستند به او گفت: ای ابویقظان! چگونه است، تو که قسم خورده بودی ننشینی و نخوری تا او را به من نشان دهی؟! عمّار فرمود: اگر اندیشه ات را به کار انداخته بودی متوجه می شدی که من او را به تو نشان دادم [یعنی دابة الارض همانا امیرمؤمنان علی علیه السلام است که به تو نشان دادم].

(۶۰)

## علی علیه السلام در زیباترین صورت ظاهر می شود

امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیرمؤمنان علیه السلام شنهای مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است. با پای مبارکش او را حرکت دادند و فرمودند: (ای دابّة الارض! برخیز).

یکی از اصحاب گفت: ای رسول گرامی! آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم؟ فرمود: نه، به خدا سوگند که این نام به او [علی علیه السلام] اختصاص دارد. او همان (دابّة الارض) است که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرموده: (چون سخن بر آنها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم و برای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند).

سپس خطاب به علی علیه السلام فرمود: (ای علی! چون آخرالزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد و در دست تو میسمی (آهنی) هست که دشمنانت را با آن علامت می گذاری).<sup>(۱۱)</sup>

## عصای موسی علیه السلام در دست علی علیه السلام

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف (دابّة الارض) فرمود:  
(تیزپائی به او نمی رسد، فرار کننده ای از او فوت نمی شود. مؤمن را نشان مؤمن ، و کافر را نشان کافر می زند. عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان با اوست). (۶۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام اولین و آخرین امام امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که :  
در شب معراج گفته شد: (ای محمّد! علی اوّل است ، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است . علی آخر است ، زیرا آخرین امامی است که روحش را قبض می کنم . او همان دابّة است که با مردم سخن می گوید). (۶۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مفصّلی می فرماید که دابّة الارض سه بار ظاهر می شود و... (۶۴)

همه مردم حضرت علی علیه السلام را می بینند

امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصّلی که در مورد دجال ایراد فرموده است ، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید:  
(پس از آن (طامه کبری) است) اصحاب پرسیدند: (طامه کبری) چیست؟ فرمود:  
(خروج دابّة الارض است که در نزدیکی (صفا) ظاهر می شود. انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست... هنگامی که سرش را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق و مغرب هستند به قدرت



الهی او را می بینند. و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام در توبه بسته می شود). (۶۰)

و در حدیث دیگر فرمود: (من دابّة الارض هستم ، من صاحب عصایم ، من جدا کننده حقّ و باطل در قضایم ، من کشتی نجاتم ). (۶۶)

### علی علیه السلام خود را معرّفی می کند

ابوالطفیل می گوید:

مطالبی را در مورد رجعت از سلمان و مقداد و ابی بن کعب شنیده بودم ، در کوفه به خدمت حضرت علی علیه السلام نقل کردم ، امیر مؤمنان همه آنها را تصدیق فرمود. آنگاه یقین من به رجعت در سطح یقینم به قیامت شد. یکی از مطالبی که از محضر آن حضرت پرسیدم در مورد دابّة الارض بود، فرمود از این پرسش در گذر. عرض کردم مرا آگاه ساز. فرمود:

(دابّة الارض ، جنبنده ایست که غذا می خورد، در بازار راه می رود، ازدواج می کند).

پرسیدم : او کیست ؟

فرمود: او کسی است که استقرار و آرامش زمین به وسیله اوست .

گفتم : او چه کسی است ؟

فرمود: او صاحب زمین است .

گفتم : کیست ؟

فرمود: او صدیق امت است ، فاروق امت

است ، ذوالقرنین امت است .

گفتم : او چه کسی است ؟

فرمود: او کسی است که علم کتاب نزد

اوست . او کسی است که به آنچه از طرف

خدا آمده تصدیق نموده ، روزی که جز من و

محمد صلی الله علیه و آله به آن کافر

بودند. که به خدا سوگند منم .

گفتم : نامش را بفرمائید.

فرمود: گفتم . (۶۷)

با توجه به روایات یاد شده هیچ شکی باقی نمی ماند در اینکه منظور از دابة الارض در قرآن امیرمؤمنان علی علیه السلام است که در آخرالزمان به دنیا بر می گردد.

علی علیه السلام سه مرتبه به دنیا بر می گردند که در دفعه سوم در توبه بر روی مردم بسته می شود.

### زنده شدن گروهی هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در روایات بسیاری از اهل بیت عصمت و طهارت وارد شده که : گروهی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام که در دشمنی حدّ و مرزی شناخته اند به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده می شوند،

و گروهی از دوستان اهل بیت که در راه دوستی اهل بیت مشکلات فراوانی را تحمل کرده اند زنده می شوند، تا این گروه از آن گروه انتقام بگیرند و دلهایشان خنک شود آنگاه هر گروهی به سزای اعمال خود می رسد. (۶۸)

مرحوم طبرسی در تفسیر پر ارج (مجمع البیان) می فرماید: (روایات بسیار فراوانی از امامان اهل بیت علیهم السلام رسیده است که خدای تبارک و تعالی به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام گروهی از دوستان و شیعیان آن حضرت را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند باز می گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت برسند و با دیدن آن روزگار میمون مسرور شوند.

و گروهی از دشمنان او را نیز باز می گرداند تا به دست شیعیان از آنها انتقام

گرفته شود و با دیدن شکوه و عظمت آن حضرت خوار و زبون شوند). (۶۹)

دنیا پس از چموشی به ما روی می آورد  
(وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ...)

(و ما اراده کرده ایم بر آنانکه در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهادیم ، آنانرا پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم ) (۷۰)

(خداوند متعال پیامبرش را آگاه ساخت که چه مصیبت‌هایی از قتل و غیره به امام حسین و اهل‌بیت او خواهد رسید، و در مقابل ، امامت در نسل او خواهد بود.

خدایش به او خبر داد که امام حسین علیه السلام کشته می شود ولی بعداً به این دنیا باز می گردد و بر اریکه سلطنت می نشیند و دشمنانش را نابود می کند و بر سراسر جهان فرومان روائی می کند ... این است معنی قول خداوند (و نرید ان نمن علی الذین ....) (۷۱)

مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:  
(روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی و حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و گریه نمود و آنگاه فرمود:  
شما کسانی هستید که بعد از من به ضعف کشیده می شوید).

مفضل می گوید: گفتم : ای فرزند رسول خدا! معنای این جمله چیست ؟

فرمود: معنای آن اینست که شما بعد از من پیشوا و وارث هستید که خدای تبارک و تعالی می فرماید: (وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ) (۷۲)

(۷۳)

ابوالصلاح کنانی می گوید:  
در خدمت امام باقر علیه السلام بودم ،  
به سوی فرزند بزرگوارش امام صادق علیه  
السلام نگاه کرد و فرمود: او را می بینی  
؟ او از کسانی است که خدای تبارک و  
تعالی در حقش فرموده است : ( وَ نُرِيدُ أَنْ  
نَمُنَّ... ) . (۷۴)

امیرمؤمنان در یکی از کلمات قصار خود  
می فرماید:  
(لَتَعَطْفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ  
الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا) .

یعنی : (دنیا پس از چموشی به ما روی  
می آورد آنچنانکه شتر بدخو به بچه اش  
روی می آورد) . سپس این آیه را تلاوت  
فرمود: ( وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ) . (۷۵)

بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله به  
دنیا  
(إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ...).

(آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو  
را به جایگاهت [یعنی زادگاهت] باز می  
گرداند...) . (۷۶)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این  
آیه فرمود:

(پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی  
شما باز می گردد) . (۷۷)

امام سجّاد علیه السلام نیز در تفسیر  
این آیه فرمود:

(پیامبرتان به سوی شما بر می گردد) . (۷۸)

ابوخالد کابلی از امام زین العابدین  
علیه السلام روایت می کند که در تفسیر  
این آیه فرمود: (رسول اکرم صلی الله علیه و  
آله ، امیرمؤمنان علیه السلام و امامان  
علیهم السلام به سوی شما باز می گردند) .  
در محضر امام باقر علیه السلام از جابر  
بن عبدالله انصاری گفتگو شد، امام باقر

علیه السلام فرمود: (خداوند رحمت کند جابر را، او از فقهای ما بود. دانشش تا به آنجا رسیده بود که می دانست آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ...) مربوط به رجعت است). (۷۹)

## رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام همدیگر را ملاقات می کنند

از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ...) را پرسیدند، فرمود:

- (به خدا سوگند، دنیا سپری نمی شود تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام در (ثَوِيَّه) (۸۰) همدیگر را ملاقات کنند و در آنجا مسجدی بسازند که دوازده هزار در داشته باشد). (۸۱)

روز فتح چه روزی است ؟  
در تفسیر قمی آمده است :  
هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله اخبار رجعت را بیان فرمود، پرسیدند: روز فتح چه روزیست ؟  
فرمود: در روز فتح کافران را ایمان آوردن سودی نمی بخشد و به آنها مهلت داده نمی شود. (۸۲)

## منکران و ملحدان برای کیفر شدن باز می گردند

(قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا).  
(گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! ). (۸۳)  
حسن بن شاذان می گوید:  
گروهی از عثمانیها در شهر واسط مرا آزار می کردند و در هر فرصتی ضربه هائی بر من وارد کردند. من نامه ای به خدمت

امام رضا علیه السلام نوشتم و از آزارهای مردم واسط به محضر آن حضرت شکایت کردم . امام رضا علیه السلام با خط شریف خود در پاسخ نوشت : (خدای تبارک و تعالی از دوستان ما پیمان گرفته که در حکومتهای باطل در برابر آزار دشمنان صبر کنند. هنگامی که اشرف مخلوقات قیام کند، خواهند گفت : ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاههای خود برانگیخته است ) .  
(۸۴)

این آیه با امام حسین علیه السلام ارتباط دارد  
(وَصَيِّئًا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا، حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا، وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا...).

(ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی بر زمین می گذارد؛ ... ) .  
(۸۵)

این آیه از جهاتی با امام حسین علیه السلام ارتباط دارد:

یکی اینکه : لفظ (کُرّه) گذشته از مشقت و دشواری حالت اکراه را نیز می رساند و حضرت فاطمه علیها السلام که از سرنوشت فرزندش آگاه شده بود، در حمل و وضع او نوعی اکراه داشت و می فرمود:

من چه می خواهم فرزندی را که او را با چنین طرز فجیعی خواهند کشت .

دیگر اینکه : در ذیل این آیه به حداقل مدت حمل اشاره شده که شش ماه است و امام حسین علیه السلام ششماهه به دنیا آمده بود.

در ضمن احادیثی که در تفسیر این آیه و آیه شریفه (و نرید ان نمّن علی الذین... (قصص / ۵) از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده ، آمده است :

(خداوند متعال پیامبرش را آگاه ساخت که چه مصیبت‌هایی به امام حسین و اهل بیت او خواهد رسید.

خدایش به او خبر داد که امام حسین علیه السلام کشته می شود ولی بعداً به این دنیا باز می گردد و دشمنانش را به قتل می رشانند و بر سراسر جهان حکم فرمائی می کند ...

خداوند به پیامبرش نوید داد که اهل بیتش يك بار دیگر به این جهان باز می گردند و دشمنانشان را می کشند و بر سراسر زمین حکم می رانند).<sup>(۸۶)</sup>

همه شگفتیها در میان ماههای (جمادی ) و (رجب ) است  
(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ).

(ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند، همان گونه که کفار در قبرها مأیوس می باشند).<sup>(۸۷)</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام بحث از ظهور حضرت ولی عصر (عج ) و رجعت امامان معصوم علیهم السلام فرمود:  
(همه شگفتیها در میان ماههای (جمادی ) و (رجب ) است ). یکی از اصحاب بلند شد و عرضه داشت : ای امیرمؤمنان ، این حوادث شگفت چیست که موجب اینهمه تعجب شما شده است ؟

فرمود: (وای بر تو، چه چیزی شگفت تر از اینکه مرده ها برخیزند و گردن دشمنان خدا و دشمنان رسول اکرم و اهل بیت پیامبر علیهم السلام را بزنند! اینست تاویل آیه شریفه (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا...)).<sup>(۸۸)</sup>

امیرمؤمنان همچنین در يك خطبه طولانی جمله معروف : (واَعْجَبَا، كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبِ ) را به زبان آوردند، یکی از مستمعان گفت : ای امیر مؤمنان این چه

حادثه شگفت انگیزی است که این همه موجب تعجب شما شده است؟

فرمود: (وای بر تو، چه چیزی شگفت انگیزتر از اینکه مردگان برخیزند و گردن زنده ها را بزنند)!!

پرسید: این حادثه کی اتفاق می افتد؟  
فرمود: (سوگند به خدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، گوئی با چشم خود می بینم که شمشیرهای خود را بر شانه های خود حمایل کرده اند و در کوچه های کوفه پراکنده شده ، گردن دشمنان خدا و پیامبر و مؤمنان را می زنند. و اینست معنای آیه شریفه :

لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ . (۸۹)



## داستانهایی از بازگشت ائمه علیهم السلام به این دنیا

در رجعت راه توبه بسته می شود  
(سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ).

(به زودی بر روی بینی اش مهر خواهیم زد). (۹۰)

در تفسیر قمی روایت کرده که این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که شاه ولایت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام رجعت کند و دشمنان آن حضرت نیز برگردند، بر پیشانی آنها مهر می زند و نشاندار می کند، چنانکه چارپایان را داغ می زنند تا نشاندار شوند. (۹۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

هنگامی که روی بینی کافران مهر زده شد، دیگر کار از کار گذشته است. (۹۲)  
در احادیث دیگر نیز آمده است که:  
در رجعت راه توبه بسته می شود و کسی که تا آن روز با دیدن حقایق ایمان نیاورده باشد دیگر ایمان آوردن او را سودی نمی بخشد.

عصای حضرت موسی علیه السلام در دست امیرمؤمنان علیه السلام  
در احادیث فراوانی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود:  
(من صاحب عصا هستم، من صاحب میسم هستم). (۹۳)

در این حدیث منظور از (عصا) عصای حضرت موسی است که در دست آن حضرت خواهد بود، و (میسم) به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند و نشاندار می کنند. چنانکه در آخرت امیرمؤمنان قسیم الجنة و النار هستند، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر

جدا می سازند و بر روی بینی دشمنان به وسیله عصای موسی مهر باطله می زنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پنجاه هزار سال حکومت می کند  
(تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ).

(فرشتگان و روح [یعنی فرشته مقرب خداوند] به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است). (۹۴)

در روایات بسیاری آمده است که منظور از آن روز، مدت سلطنت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رجعت است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

(روزیکه پنجاه هزار سالست ، روزگار رجعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در رجعت مدت فرمانروائی آن حضرت پنجاه هزار سالست . و مدت فرمانروائی امیر مؤمنان علیه السلام چهل و چهار هزار سال است). (۹۵)

از هر امّتی گروهی برانگیخته می شوند  
(يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا)

یعنی : ( به خاطر بیاور) روزی را که ما از هر امّتی ، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم ؛ و... )

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

(وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ، وَ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْأَيْمَ أَنْ مَحَضًا، أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحَضًا).

یعنی : (رجعت همگانی نیست ، بلکه اختصاصی است ، تنها کسانی رجعت می کنند که مؤمن خالص باشند یا مشرک خالص). (۹۶)

قاتل محسن فاطمه عليها السلام محاکمه می شود

امام صادق علیه السلام می فرماید:  
(أَوَّلُ مَنْ يُحَكَّمُ فِيهِمْ مُحْسِنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فِي قَاتِلِهِ، ثُمَّ فِي قُنْفُذٍ، فَيُؤْتِيَانِ هُوَ وَ صَاحِبُهُ، فَيُضْرَبَانِ بِسِيَاطٍ مِنْ نَارٍ، لَوْ وَقَعَ سَوَاطِ مِنْهَا عَلَى الْبِحَارِ لَغَلَّتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا، وَ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَادًا، فَيُضْرَبَانِ بِهَا).

(نخستین کسی که درباره او محکمه عدل در حکومت حقّه تشکیل می شود، محسن فاطمه است، بین او و قاتلش محکمه برگزار می شود. قُنْفُذ و اربابش (دومی) آورده می شوند و با تازیانه هائی از آتش شلاق می خورند. اگر یکی از آن شلاقها بر دریا زده شود همه اقیانوسهای جهان از مشرق تا مغرب به جوش می آید. و اگر یکی از آنها به یکی از کوههای دنیا بخورد ذوب شود و تبدیل به خاکستر می گردد. آن دو دشمن خدا با این تازیانه شلاق می خورند).<sup>(۹۷)</sup>

شلاق خوردن زنی که حضرت زهرا علیها السلام را اذیت می کرد و در حدیثی دیگر پرده از نام زنی برداشته شده که حضرت زهرا علیها السلام را خیلی رنج می داد... آن زن (حمیراء) در رجعت برگردانده می شود و به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام به مجازات می رسد.<sup>(۹۸)</sup>

و همچنین، همه کسانی که به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ستم کرده اند به دنیا برگردانده می شوند و انتقام از آنها گرفته می شود.

چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید:

(هنگامی که قائم ما قیام کند، همه کسانی که مؤمنان را آزار کرده اند در زمان آن حضرت بر می گردند و مؤمنان از آنها انتقام می گیرند).<sup>(۹۹)</sup>

آیا برگشتن به دنیا اختیاری است ؟  
افرادی که برای انتقام و تنبیه به  
دنیا برگردانده می شوند، هرگز به میل و  
اراده خود بر نمی گردند، بلکه به مصداق  
(کافر به جهنم نمی رود، کشان کشان می  
برند)، آنها نیز ناگزیر تن به رجعت می  
دهند، که رجعت برای آنها بسیار ذلت بار  
و سخت است .

ولی در مورد مؤمنین به نظر می رسد که  
اختیاری خواهد بود نه اجباری ، اگر چه  
هرگز ممکن نیست برای مؤمنی رجعت پیشنهاد  
شود و او سر بتابد. از يك حدیث نیز این  
معنی استفاده می شود:

مفضل بن عمر می گوید:

در خدمت امام صادق علیه السلام صحبت از  
حضرت ولی عصر علیه السلام شد و از افرادی  
که عاشقانه انتظار ظهور او را می کشند و  
پیش از نیل به چنین سعادتى از دنیا می  
روند، گفتگو شد، فرمود:

(إِذَا قَامَ أُنَى الْمُؤْمِنِ فِي قَبْرِهِ، فَيُقَالُ لَهُ:

يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تُلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَأْ أَنْ تُقِيمَ فِي  
كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِم).

یعنی : (هنگامی که حضرت ولی عصر (عج )  
قیام کند، مأ مورین الهی در قبر با  
اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آنها می  
گویند:

ای بنده خدا مولایت ظهور کرده است ،  
اگر می خواهی که به او بپیوندى آزاد  
هستی ، و اگر بخواهی در نعمتهای الهی  
متنعم بمانی باز هم آزاد هستی ). (۱۰۰)

## چه کنیم که ما نیز زنده شویم

در روایات باب رجعت تصریح شده است کسانی به این دنیا باز می گردند که ایمانشان خالص باشد، پس اگر ما تلاش کنیم ایمانمان را خالص کنیم طبق روایات اهل بیت علیهم السلام زنده خواهیم شد و چشممان به جمال دل آرای حضرت مهدی علیه السلام و همچنین امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام منور خواهد شد.

امام صادق علیه السلام دعائی به نام دعای عهد تعلیم فرموده ، که هر کس آن را در زمان غیبت چهل روز صبح بخواند از یاران حضرت بقیة الله روحی فداه می شود، و اگر پیش از ظهور از دنیا برود خداوند او را به هنگام ظهور زنده می کند و باز می گرداند. (۱۰۱)

## کسانی که در روایات به صراحت از آنان نام برده شده است که به دنیا باز می گردند

تمام پیامبران به دنیا بر می گردند امام صادق علیه السلام می فرماید: ( ... به خدا سوگند از زمان حضرت آدم تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیامبری مبعوث نشده جز اینکه خداوند آنها را باز می گرداند، تا در رکاب علی بن ابی طالب علیه السلام شمشیر بزنند). (۱۰۲)

در آن هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به دست مبارک علی علیه السلام می دهد، پس از آن امیرمؤمنان علیه السلام امیر خلائق خواهد شد و همه خلائق زیر پرچم آن حضرت قرار می گیرد. (۱۰۳)

اسماعیل پسر حزقیل به دنیا بر می گردد

(وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ، اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا).

(و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن که او در وعده هایش صادق ، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود). (۱۰۴)  
در روایات تصریح شده که او غیر از اسماعیل پسر حضرت ابراهیم است .  
او پسر (حزقیل) بوده که به سوی قوم خود مبعوث شد و قومش او را تکذیب کردند و او را گرفتند و پوست سر و صورتش را کُندند.

فرشته عذاب (به نام سطاظائل) آمد که قوم اسماعیل را عذاب کند، از او پرسید که آنها را چگونه عذاب کند؟  
اسماعیل گفت : من نیازی به عذاب آنها ندارم .

خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد :

ای اسماعیل چه حاجتی داری ؟

عرض کرد : (خداوندا! تو پیمان گرفته ای برای خودت به ربوبیت و برای محمد صلی الله علیه و آله به نبوت و برای اوصیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ولایت و برگزیدگان بندگان را آگاه ساخته ای که امت او با امام حسین علیه السلام چه رفتار خواهند کرد.

خداوندا! تو امام حسین را وعده کرده ای که به دنیا بازگردانی ، تا شخصاً از قاتلینش انتقام بگیرد، حاجت من این است که مرا نیز در رجعت بازگردانی ، تا شخصاً از کسانی که با من چنین رفتار کرده اند انتقام بگیرم .

خداوند اسماعیل بن حزقیل را وعده داد که همراه امام حسین علیه السلام به این جهان بازگرداند). (۱۰۵)

## چرا حضرت خضر زنده است ؟

یکی از پیامبران عظیم الشان که بدون تردید زنده است و هم اکنون بیش از شش هزار سال از عمر شریفش می گذرد (۱۰۶) حضرت خضر علیه السلام است .

مطابق روایات بسیاری که از امامان اهل بیت علیهم السلام رسیده است ، طول عمر حضرت خضر فقط برای این بود که گواهی بر طول عمر حضرت بقیة الله - روحی فداه - باشد، چنانکه امام صادق علیه السلام در ضمن يك حدیث طولانی می فرماید:

(در علم خدا گذشته بود که عمر حضرت قائم (عج) را در زمان غیبت طولانی گرداند، و می دانست که بندگان از این عمر طولانی دچار شگفت خواهند شد، از این رهگذر به بنده صالح (حضرت خضر علیه السلام) عمر طولانی داد، فقط برای اینکه سند زنده ای بر طول عمر حضرت قائم (عج) باشد و با طول عمر او بر امکان طول عمر آن حضرت استدلال شود و بدین طریق راه بر دشمنان بسته شود و حجت بر مردم تمام شود). (۱۰۷)

زندگی حضرت خضر و رفتنش به بحر ظلمات و خوردنش از آب حیات خود داستان مفصلی است که در کتب تاریخی و حدیثی به تفصیل از آن بحث شده ، علاقمندان به کتب مبسوط حدیثی مراجعه فرمایند. (۱۰۸)

امام رضا علیه السلام می فرماید:  
حضرت خضر علیه السلام از آب حیات خورد، او زنده است و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود، او پیش ما می آید و بر ما سلام می کند، ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم ، او در مراسم حج شرکت می کند و همه مناسک را انجام می دهد، در روز عرفه در سرزمین عرفات می ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می گوید. خداوند به

وسیله او در زمان غیبت ، از قائم ما رفع غربت می کند و به وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می کند). (۱۰۹)

از این حدیث استفاده می شود که حضرت خضر علیه السلام جزء سی نفریست که همواره در محضر حضرت بقیه الله (عج) هستند و رتق و فتق امور به فرمان آن حضرت در دست آنهاست. (۱۱۰)

## همه امامان علیهم السلام به دنیا بر می گردند

رجعت مخصوص امیرمؤمنان و امام حسین علیهما السلام نیست ، بلکه همه امامان معصوم علیهم السلام در رجعت بر می گردند. دلیل ما در این گفتار، سه دسته از روایات است :

۱ - روایاتی که از رجعت فرد امامان ، سخن گفته است ، مانند روایاتی که از رجعت امام حسن مجتبی علیه السلام (۱۱۱) و از رجعت امام صادق علیه السلام (۱۱۲) و از رجعت حضرت بقیه الله روحی فداه (۱۱۳) سخن گفته اند.

۲ - روایاتی که تصریح می کنند که همه امامان رجعت می کنند و همه مؤمنین خالص و کفار خالص زمان هر امامی با او رجعت می کنند. (۱۱۴)

۳ - روایات ، ادعیه و زیاراتی که از دوازده فرمانروای دادگر و هدایتگر بعد از حضرت ولی عصر (عج) گفتگو کرده اند. (۱۱۵)

از بررسی مجموع این سه دسته روایات معلوم می شود که همه امامان معصوم علیهم السلام رجعت می کنند، به خصوص که تصریح شده که حضرت ولی عصر (عج) نیز بعد از رحلتش رجعت خواهد نمود.

و آنچه در روایات آمده است که قیامت قیامت چهل روز پس از رحلت حضرت ولی عصر (عج) می باشد، مربوط به رحلت آن حضرت



در رجعت است <sup>(۱۱۶)</sup> وگرنه طبق دلالت و بیان صدها حدیث ، بعد از رحلت اولی حضرت بقیة الله روحی فداه هزاران سال اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرمانروائی خواهند داشت .

دو گروه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا بر می گردند از بررسی اخبار رجعت استفاده می شود که دو گروه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله رجعت می کنند :

۱ - گروهی که بر آل محمد صلی الله علیه و آله ستم کردند و حق را از مجرای خود بیرون کردند و هزاران سال آثار ستم آنها جهان را برای مؤمنین تیره و تار و ناخوشایند ساخت ، آنها بر می گردند تا حساب پس بدهند و در محکمه عادلانه دولت حق به سزای اعمال خود برسند. از کسانی که در این رابطه در روایات نام برده شده ، (همانگونه که قبلا متذکر شدیم ) قنفذ و اربابش می باشد، که هر دو آورده می شوند و به عنوان قاتلان محسن فاطمه علیها السلام محاکمه و به دار آویخته می شوند. <sup>(۱۱۷)</sup>

۲ - گروهی از اصحاب باوفای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یاران و شیعیان باصفای امیر مؤمنان علیه السلام که در طریق ولایت ثابت قدم ماندند و هرگز منحرف نشدند که اسامی تعدادی از آنها در احادیث آمده است و به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم :

## بازگشت جناب سلمان

در ضمن يك حديث جناب سلمان از وجود مقدس رسول اكرم صلى الله عليه و آله نقل می کند که از دوازده وصی خود از حضرت علی تا حضرت مهدی (سلام الله عليهم اجمعين) با نام و لقب و اوصاف کریمه شان صحبت می کند و آنگاه جناب سلمان گریه می کند و عرض می کند: چگونه می شود که سلمان آنها را درك کند؟ می فرماید:

- (ای سلمان تو آنها را درك می کنی ، و هر کس مانند تو، آنها را از روی معرفت کامل دوست بدارد و از آنها پیروی کند آنها را درك می کند).

جناب سلمان می گوید: خدا را بسیار سپاس گفتم و سپس عرض کردم : یا رسول الله صلى الله عليه و آله آیا عمر من تا زمان آنها ادامه خواهد داشت ؟

فرمود: ای سلمان ! بخوان این آیه را :  
(فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا). (۱۱۸)

[این آیه از آیات رجعت است و تلاوت این آیه اشاره به این است که جناب سلمان پیش از ظهور از دنیا می رود ولی بعد از ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کند].  
جناب سلمان می گوید:

بسیار گریستم و بر اشتیاقم افزوده شد و گفتم : ای رسول گرامی آیا این پیمانی است از طرف شما؟

فرمود: - (آری ، سوگند به خدائی که محمد را به رسالت برانگیخت ، این پیمانی است از سوی من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه تن امام و از سوی همه کسانی که از ما هست و در راه ما مورد ستم قرار گرفته است).

- (ای سلمان ! به خدا سوگند، ابلیس و سپاهیانش حاضر می شوند و همه مؤمنان خالص و کافران خالص حاضر می شوند،

قصاصها و انتقامها گرفته می شود و پروردگارت به کسی ستم روا نمی دارد). این است تا ویل آیه که می فرماید: (ما اراده کرده ایم که بر کسانی که روی زمین به ضعف کشیده شده اند، منت نهیم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم ...). (۱۱۹)

جناب سلمان می گوید: (از محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بلند شدم و دیگر پروائی نداشتم که مرگ سراغ من بیاید یا من به سراغ مرگ بروم). (۱۲۰)

امام صادق علیه السلام نیز به هنگام بحث از اصحاب حضرت ولی عصر - روحی فداه - از جناب سلمان نام می برد. (۱۲۱)

### بازگشت جناب مقداد

امیرمؤمنان در ضمن یک خطبه بسیار طولانی از ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - و یاران باوفای آن حضرت بحث کرده می فرماید: (۲۰ تن از یاران قائم (عج) از اهل یمن هستند که یکی از آنها مقداد پسر اسود است). (۱۲۲)

امام صادق علیه السلام نیز او را در میان یاران حضرت بقیة الله - روحی فداه - نام برده است. (۱۲۳)

بازگشت جابر عبدالله انصاری در حدیثی از امام صادق علیه السلام نام جابر نیز در میان اصحاب حضرت بقیة الله علیه السلام یاد شده است. (۱۲۴)

## بازگشتِ ابودجانه انصاری

امام صادق علیه السلام ابودجانه را از کسانی شمرده است که به هنگام ظهور حضرت بقیة الله از یاران آن حضرت خواهد بود. (۱۲۰)

ابودجانه مرد ارزنده و غیوری است که روز اُحد در نصرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پایدار ماند. چون همه گریختند و جز علی و ابودجانه نماند، پیامبر فرمود: ای ابودجانه، من بیعتم را از تو برداشتم تو نیز برگرد، امّا علی، او از منست و من از اویم.

ابودجانه گفت: نه هرگز، به خدا قسم، من هرگز خودم را از بیعت شما خارج نمی کنم، من با شما بیعت کرده ام، آیا شما را تنها بگذارم به کجا روم؟ به سوی زن و فرزندی که خواهند مرد؟ یا به سوی خانه ای که ویران خواهد شد؟ یا به سوی ثروتی که فانی خواهد شد؟ و یا به سوی اجلی که فرا خواهد رسید؟! آنقدر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دفاع کرد تا در اثر زخمهای بی شمار توان خود را از دست داد. (۱۲۱)

## بازگشت مالک اشتر یار با وفای امیرمؤمنان علیه السلام

مالک اشتر آن یار باوفای امیرمؤمنان که به هنگام رحلتش امیرمؤمنان می فرمود: (ای کاش در زیر آسمان مالک دیگری نیز بود).

مالک اشتر جزء یاران حضرت بقیة الله است که در رجعت زنده می شود و از طرف آن حضرت در گوشه ای از جهان پهناور حکومت می کند. (۱۲۲)

## بازگشت مفضل بن عمر

مفضل بن عمر یکی از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام است او را مژده داده اند که از یاران حضرت بقیة الله روحی فداه می باشد و فرمودند که: (تو ای مفضل! در طرف راست حضرت قائم (عج) می ایستی، امر و نهی می کنی. در آن روز بیش از امروز از تو فرمان می برند). (۱۲۸)

## بازگشت حمران بن اعین

حمران بن اعین برادر زرارة بن اعین نیز در میان یاران حضرت ولی عصر (عج) یاد شده است. (۱۲۹)

## بازگشت مؤمن آل فرعون

در جلسه مشورتی فرعون ، هنگامی که به کشتن حضرت موسی و همه مردانی که به او ایمان آورده اند، رأی داده شد، مردی از آل فرعون که ایمان محکم و پابرجائی به حضرت موسی علیه السلام داشت و ایمان خود را مکتوم نگه می داشت مطالب بسیار حکیمانه ای گفت که به کلی رأی حاضرین در مجلس را دگرگون ساخت . مطالب حکیمانه او را خداوند متعال در سوره مؤمن آیه های ۲۸ - ۴۴ آورده است .

قرآن کریم از این شخص به عنوان (مؤمن آل فرعون) نام برده و در لسان احادیث به همین عنوان معروف شده است .

امام صادق علیه السلام نام او را در لیست اصحاب خاص حضرت بقیة الله - روحی فداه - آورده است . (۱۳۰)

## بازگشتِ یوشع بن نون

یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام بود و تاریخ زندگی او شباهت زیادی به حوادث زندگی مولای متقیان داشت .

از امام صادق علیه السلام روایت شده که جناب یوشع بن نون بعد از حضرت موسی علیه السلام مصیبت‌های بسیار دید، به خصوص از سه تن از طاغوتیان بنی اسرائیل ، چون آن سه تن به هلاکت رسیدند کار او قوت گرفت . آنگاه دو تن از منافقان ، همسر حضرت موسی علیه السلام را با خودشان همفکر کردند و با صد هزار سپاه به جنگ یوشع بن نون برخاستند. جنگ سختی در گرفت و سرانجام سپاه صد هزار نفری شکست خورد و بقیه سپاه پا به فرار نهاد و یوشع بن نون بر آنها پیروز شد.

دختر شعیب که همسر حضرت موسی بود اسیر شد. او را به خدمت حضرت یوشع آوردند. جناب یوشع به او فرمود:

(من تو را در دنیا عفو کردم ، تا در آخرت حضرت موسی علیه السلام را ملاقات کنم و از تو به او شکایت کنم و به او بگویم که تو و قوم تو با من چه کردید).

همسر حضرت موسی گفت : (ای وای بر من ، به خدا سوگند اگر به من اجازه ورود به بهشت بدهند، من شرم می‌کنم که وارد بهشت شوم که پیامبر خدا حضرت موسی در آنست و من حریم او را شکستم و از سرآورده او بیرون آمدم و با وصی او جنگیدم ). (۱۳۱)

از همین حدیث تشابه کامل حوادث عصر یوشع با عصر حضرت امیر علیه السلام آشکار می‌شود، با این تفاوت که طاغیه عصر حضرت علی علیه السلام هنوز تصور می‌کرد که در سرآورده عصمت نشسته و با آیه (وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ) مخالفت نکرده است .

جالب توجه است که رحلت یوشع نیز در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان اتفاق افتاده بود، چنانکه امام حسن مجتبی علیه السلام در روز شهادت امیر مؤمنان در خطبه اش بیان فرمود. (۱۳۲)

امام صادق علیه السلام او را نیز جزء یاران حضرت بقیه الله - روحی فداه - نام برده که پس از ظهور آن حضرت، زنده می شود و در محضر حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - در نخستین روز بیعت از مکه معظمه ظاهر می شود. (۱۳۳)

## اصحاب کهف جزء یاران حضرت مهدی علیه السلام

این کاروان توحید که برای حفظ ایمان و اعتقاد خود، از شهر گریختند و به غاری پناهنده شدند و در آنجا آن حادثه تاریخی برای اینها پیش آمد، جزء یاران حضرت بقیه الله روحی فداه و جزء مسئولان عالی رتبه عصر ظهور هستند، در نخستین روز ظهور به دنیا باز می گردند و در اولین روز اعلام ظهور با آن حضرت بیعت می کنند. (۱۳۴)

از احادیث استفاده می شود که این عده جزء ۳۱۳ نفری هستند که در روز اول با آن حضرت بیعت می کنند و در دولت حقّه فرمانروایان روی زمین به امر آن حضرت خواهند بود. در مورد اصحاب کهف به این موضوع تصریح شده و در میان ۳۱۳ تن از آنها نام برده شده است. (۱۳۵)



## نمونه هایی از بازگشت به دنیا که در زمانهای گذشته واقع شده است

علی علیه السلام به دستور رسول خدا صلی  
الله علیه و آله مرده ای را زنده کرد  
(وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ).

(و هنگامی که در باره فرزند مریم مثلی  
زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و  
فریاد راه انداختند). (۱۳۶)

در تفسیر این آیه از ابن عباس روایت  
شده که گروهی به خدمت رسول اکرم صلی الله  
علیه و آله رسیدند و عرضه داشتند:  
ای محمد صلی الله علیه و آله! عیسی بن  
مریم مرده ها را زنده می کرد، شما نیز  
برای ما مرده هائی را زنده کنید.  
فرمود: چه کسی را می خواهید؟  
گفتند: فلانی را که تازه از دنیا رفته  
است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابی  
طالب علیه السلام را فرا خواند و چیزی در  
گوش او فرمود که ما نفهمیدیم.  
سپس به علی علیه السلام فرمود: همراه  
این جمعیت به کنار قبر آن شخص برو، و او  
را با نام و نام پدرش صدا کن.  
امیرمؤمنان علیه السلام همراه با آن  
جمعیت بر سر قبر آن شخص تشریف بردند و  
او را با نام و نام پدرش صدا کردند، آن  
شخص از قبر بیرون آمد و آن گروه  
پرسشهایی از او کردند. آنگاه او در قبر  
خود آرمید و مردم بازگشتند، در حالیکه  
می گفتند: این نیز از شگفتیهای فرزندان  
عبدالمطلب است. پس خداوند این آیه را  
نازل کرد: (هنگامی که به پسر مریم مثل  
زده شود ناگهان قوم تو از آن امتناع می  
ورزند). (۱۳۷)

زنده شدن هفتاد نفر از قوم حضرت موسی  
علیه السلام  
(ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ).

(پس برانگیختیم شما را بعد از مرگ  
شاید خدا را شکر گزارید). (۱۳۸)

این آیه در مورد هفتاد نفر از  
برگزیدگان قوم حضرت موسی علیه السلام است  
که حضرت موسی علیه السلام آنها را از  
میان قوم خود برگزید و با خود به طور  
سینا برد تا بر جریان گفتگوی او با خدا  
و گرفتن الواح از جانب خدا شاهد باشند،  
و در نتیجه بنی اسرائیل صدور الواح را  
از جانب خدا تکذیب نکنند.

چون به (طور) رسیدند و گفتگوی حضرت  
موسی را با خدا مشاهده کردند گفتند: (ای  
موسی ما به تو ایمان نمی آوریم مگر  
اینکه خداوند را آشکارا به ما بنمایانی  
)، هر چه حضرت موسی آنها را از این  
خواسته جاهلانه منع کرد، آنها بر خواهش  
خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد  
و همه آنها را نابود کرد.

حضرت موسی عرضه داشت: بارپروردگارا  
اگر این هفتاد نفر زنده نشوند من چگونه  
به سوی قوم بروم؟ آنها مرا به قتل  
اینها متهم خواهند کرد.

خداوند بر او منت نهاد و آنها را زنده  
کرد و همراه حضرت موسی به سوی خانه و  
کاشانه خود بازگشتند.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:  
(... این هفتاد نفر پس از مرگ زنده  
شدند و به خانه های خود بازگشتند، آنگاه  
مدتی زندگی کردند، غذا خوردند، ازدواج  
کردند، صاحب اولاد شدند و پس از فرا  
رسیدن اجلشان از دنیا رفتند). (۱۳۹)

مقتول زنده شد تا شهادت دهد قاتل کیست

در میان بنی اسرائیل پیرمردی بود که ثروتی سرشار و نعمتی بیشمار و پسری یگانه داشت که پس از مرگ پدر همه آن ثروت به او منتقل می شد، ولی عموزادگانش که تهی دست بودند بر او حسد کردند و او را به قتل رسانیدند و جسدش را در محله قومی دیگر انداختند و تهمت قتل را به آنها بستند و به خونخواهی برخاستند. اختلاف شدیدی پدید آمد و کار پیکار به محضر حضرت موسی علیه السلام کشیده شد تا در میان آنها داوری کند.

حضرت موسی به وحی خدا فرمود تا ماده گاوی ذبح کنند و زبان آن گاو را بر تن مقتول بزنند تا زنده گردد و قاتل خود را معرفی کند.

هر گاو ماده ای را که ذبح می کردند کفایت می کرد ولی با پرسشهای بیجا کار خود را دشوار ساختند و در هر بار نشانه هائی گفته شد که آن نشانه فقط با يك گاو تطبیق نمود که متعلق به کودکی یتیم بود. به ناگزیر آن را به قیمت بسیار گزافی خریدند و سر بریدند و قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زدند، او با قدرت الهی زنده شد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا پسر عمویم به قتل رسانیده است نه آنها که به قتل متهم شده اند و حضرت موسی امر فرمود پسر عمویش را قصاص کردند. <sup>(۱۴۰)</sup>

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که:

شخص مقتول ۶۰ سال داشت هنگامی که به اذن خدا زنده شد خدای تبارک و تعالی ۷۰ سال دیگر به او عمر داد و ۱۳۰ سال عمر کرد. و تا پایان عمر از نشاط و تندرستی و سلامتی حواس بر خوردار بود. <sup>(۱۴۱)</sup>

## دو نکته قابل توجه

نکته اول : اثرات نیکی به پدر از امام رضا علیه السلام در مورد صاحب گاو <sup>(۱۴۲)</sup> روایت شده که شدیداً به پدرش خدمتگزار و نیکوکار بود و روزی معامله بسیار سودمندی انجام داد، آمد که پول متاع را بپردازد دید که پدرش خوابیده است و کلید صندوق زیر سر پدر است ، حاضر نشد که پدر را بیدار کند و از معامله صرف نظر کرد. چون پدر بیدار شد و از داستان آگاه شد بسیار خوشحال شد و این گاو را به پسرش بخشید. خداوند خواست از این طریق ثروت کلانی به دست او برسد و پاداش نیکی به والدین بودنش را پیش از آخرت در همین دنیا ببیند. <sup>(۱۴۳)</sup>

نکته دوم : مداومت بر صلوات در قوم بنی اسرائیل

چون آن ثروت گزاف به دست کودک یتیم رسید، عرضه داشت : ای پیامبر خدا، من این همه ثروت را چگونه نگهدارم و چه کنم تا شرّ حسودان به من نرسد؟

فرمود: بر صلوات بر محمد و آل محمد مداومت کن چنانکه از پدر خود آموخته ای و در گذشته مداومت داشته ای . خداوندی که به برکت توسل به محمد و آل محمد علیهم السلام این نعمت را بر تو ارزانی داشته برای تو نگه می دارد. <sup>(۱۴۴)</sup>

قومی که حضرت حزقیل دعا کرد زنده شدند **(الْم تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ، فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا، ثُمَّ أَحْيَاهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ).**

(آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ ، از خانه های خود فرار کردند و آنان هزارها نفر بودند؟! (که به بهانه بیماری طاعون ، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت :

(بمیرید)، و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند مردند) سپس خدا آنها را زنده کرد؛ (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد) خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر (او را) به جا نمی آورند). (۱۴۰)

این آیه در مورد قومی است که از ترس طاعون از وطن خود گریختند و خداوند آنها را مدتی طولانی بمیراند و به سبب دعای یکی از پیامبران به نام (حزقیل) همه آنها را زنده کرد و روزگاری زندگی کردند و به اجل طبیعی از دنیا رفتند. مشروح سرگذشت آنها را امام باقر و امام صادق علیهما السلام چنین بیان فرموده اند:

اینها مردم یکی از شهرهای شام بودند که هفتاد هزار خانوار بودند، چون آثار طاعون مشاهده می شد ثروتمندان از شهر خارج می شدند و بینوایان در شهر می ماندند.

از این رهگذر آنها که بیرون می رفتند کمتر تلفات می دادند ولی آنانکه در شهر می ماندند خیلی تلفات می دادند، یکبار تصمیم گرفتند که هر وقت آثار طاعون ظاهر شود همگی از شهر خارج شوند. چون نشانه های آن را مشاهده کردند همگی از شهر خارج شدند و برای فرار از مرگ از وطن خود دور شدند تا به شهر ویرانه ای رسیدند که ساکنانش به وسیله طاعون از بین رفته بودند و شهر خالی شده بود.

در آنجا فرود آمدند و مستقر شدند. چون رحل اقامت افکندند خداوند به آنها فرمود: بمیرید. و در يك ساعت همگی مردند. رهگذران جنازه های آنها را در گودالی افکندند تا از مسیر رهگذرها دور باشند.

روزی یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام (حزقیل) از آنجا عبور کرد، چون استخوانهای آنان را مشاهده کرد که تلی را تشکیل داده بود، بسیار اندوهگین شد و اشک ریخت. عرضه داشت: پروردگارا! ای کاش مشیت تو تعلق می یافت و اینها را زنده می کردی، و اینها شهرها را آباد می کردند و اولاد از خود می گذاشتند و همراه دیگر عبادت گران، تو را می پرستیدند.

خداوند به او وحی کرد: آیا دوست داری که آنها زنده شوند؟  
گفت: آری.

خداوند اسم اعظم را به او یاد داد، حزقیل اسم اعظم به زبان جاری کرد و یک مرتبه متوجه شد که استخوانها از جای خود می پرند و به یکدیگر متصل می شوند پس همه آنها زنده شدند و زبان به تسبیح و تهلیل و تکبیر گشودند.

حزقیل گفت: خدایا گواهی می دهم که تو بر هر چیزی توانائی.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود:  
آیه (الم تر الى الذین...) در حق این مردم نازل شده است. (۱۴۶)

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا این عده پس از زنده شدن و مورد عبرت قرار گرفتن مردند، یا مدتی زنده ماندند و در خانه های خود سکونت کردند و با همسران خود زندگی کردند؟

امام علیه السلام فرمود: خداوند آنها را به زندگی بازگردانید، آنها در خانه های خود مسکن گزیدند و طعام خوردند و با همسران خود زندگی کردند و تا خدا خواست عمر کردند و با اجل طبیعی از دنیا رفتند.

از امام رضا علیه السلام روایت شده که تعداد آنها ۳۵ هزار نفر بوده، و به

هنگام زنده شدن ۶۰ سال از مرگ آنها  
گذشته بود. (۱۴۷)

## قصه حضرت عزیر، نمونه دیگر از بازگشت به دنیا

(أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ، وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا، قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ  
بَعْدَ مَوْتِهَا، فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ. قَالَ كَمْ لَبِثْتُ ...).

(یا همانند کسی که از کنار يك آبادی  
(ویران شده) عبور کرد، در حالی که  
دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته  
بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در  
هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت :  
(چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده  
می کند؟! ) (در این هنگام، خدا او را  
یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به  
او گفت : (چه قدر درنگ کردی ؟) گفت :  
(يك روز؛ یا بخشی از يك روز) فرمود: (نه  
، بلکه یکصد سال درنگ کردی ... ) (۱۴۸)

این آیه در مورد (عزیر) است که روزی  
در مسیر خود به دهکده ویرانی رسید که  
دیوارهای خراب و سقفهای واژگون و  
استخوانهای پوسیده و بدنهای از هم  
گسیخته سکوت مرگباری را به وجود آورده  
بود.

عزیر از الاغ پیاده شد و زنبیل های  
انجیر و انگور را پهلوی خود گذاشت و  
افسار الاغ را بست و به دیوار باغ تکیه  
داد و درباره آن مردگان به اندیشه  
پرداخت، که این مردگان چگونه زنده می  
شوند و این پیکرهای پراکنده شده چگونه  
گرد می آیند و به صورت پیشین بر می  
گردند.

خداوند در این حال او را قبض روح کرد  
و صد سال تمام در آنجا بود و بعد از صد  
سال خداوند او را زنده کرد. چون عزیر  
زنده شد تصوّر کرد که از خوابی گران

برخاسته است . پس به جستجوی الاغ و زنبیلها و کوزه آب پرداخت .  
فرشته ای به سوی او آمد و پرسید: ای عزیز! چه مدت در اینجا درنگ کرده ای ؟  
گفت : يك روز و یا قسمتی از يك روز .  
فرشته گفت : بلکه تو صد سال در اینجا درنگ کرده ای . در این صد سال طعام و نوشابه ات تغیر نکرده است ولی الاغت را ببین که چگونه استخوانهایش از هم پاشیده است . اکنون ببین از خداوند چگونه آن را زنده می سازد .

عزیر تماشا می کرد و می دید که استخوانهای الاغ به یکدیگر متصل شده و گوشت آنها را پوشانید و به حالت اولیه برگشت .

هنگامی که عزیر به شهر باز آمد و به کسان خود گفت من عزیر هستم باور نکردند، پس تورات را از حفظ خواند، آنگاه باور کردند. زیرا کسی جز او تورات را از حفظ نداشت . (۱۴۹)

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:  
هنگامی که عزیر از خانه بیرون رفت همسرش حامله بود و عزیر ۵۰ ساله بود، چون به خانه اش بازگشت او با همان طراوت ۵۰ سالگی بود و پسرش ۱۰۰ ساله بود . (۱۵۰)



## قصه حضرت ابراهیم و چهار مرغ ، نمونه ای دیگر

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى ، قَالَ: أَوَلَمْ تُؤْمِنْ؟ قَالَ : بلى ، وَ لَكِن لِيُطَمِّئَنَّ قَلْبِي ....).

(و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت : (خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی ؟) فرمود: (مگر ایمان نیاورده ای ؟!) عرض کرد: (چرا، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد)

فرمود: (در این صورت ، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن ؛ و آنها را (پس از ذبح کردن ) قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز)؛ سپس بر هر کوهی ، قسمتی از آن را قرار بده ، بعد آنها را بخوان ، بسرعت به سوی تو می آیند و بدان خداوند قادر و حکیم است ، (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است ، و هم توانائی بر جمع آنها دارد) . (۱۰۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمانها و زمین را دید متوجه لاشه ای شد که در کنار دریا افتاده است ، نصف آن در دریا قرار گرفته و نصف دیگرش در خشکی ، لاشخواران دریا می آیند و از آن قسمت که در دریا قرار گرفته می خورند و می روند و در میان خود اختلاف می کنند و آنکه قویتر است ضعیفتر را می خورد. از آن طرف درندگان صحرا می آیند و از آن لاشه می خورند و بعداً اختلاف می کنند و قویترها می پرنند و ضعیفترها را می خورند.

حضرت ابراهیم علیه السلام از دیدن این مناظر دچار شگفت شد و گفت : پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده می

کنی ؟ و چگونه آنچه را که طعمه درندگان  
شده بر می گردانی ؟

خطاب شد: مگر ایمان نیاورده ای ؟  
گفت : چرا، ولکن تا دلم آرام بگیرد.  
خداوند فرمود: چهار مرغ بگیر و قطعه  
قطعه کن و مخلوط کن آنچنانکه این لاشه در  
شکم این درندگان مخلوط شده است . پس بر  
فراز هر کوهی پاره ای از آنها را قرار  
بده و سپس آنها را فرا خوان تا شتابان  
به سوی تو آیند. چون انجام داد شتابان  
به سویش آمدند. (۱۰۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:  
حضرت ابراهیم علیه السلام مرغها را در  
هاون کوبید و به هم آمیخت ، سپس آنها را  
به ده جز تقسیم کرد و بر فراز هر کوهی  
یک جزء از آن را قرار داد، و سرها را در  
دست خود نگاه داشت ، آنگاه مرغها را یک  
یک صدا کرد، هر مرغی را که صدا می کرد  
اجزاء آن از گوشت و پوست و استخوان و پَر  
و رگ و غیره از بقیه جدا می شد و به  
صورت کامل در می آمد و به سوی حضرت  
ابراهیم می آمد تا سرش را نیز از او  
بگیرد.

گاهی حضرت ابراهیم سر دیگری را به طرف  
آن می گرفت ولی آن به طرف سر خود می رفت  
و سرش به بدنش ملحق می شد. (۱۰۳)

حضرت عیسی علیه السلام و زنده کردن  
مردگان

(... أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ...).

(... من از گل ، چیزی به شکل پرنده می  
سازم ؛ سپس در آن می دمم و به فرمان  
خدا، پرنده ای می گردد و به اذن خدا،  
کور مادر زاد و مبتلایان به برص [یعنی  
پیشی] را بهبودی می بخشم ؛ و مردگان را  
به اذن خدا زنده می کنم ؛ ...). (۱۰۴)

یکی از روشنترین معجزات حضرت عیسی  
علیه السلام زنده کردن مردگان بود که در

چندین مورد از قرآن کریم از جمله آیه فوق به آن تصریح شده است . هر فردی که به اعجاز حضرت عیسی علیه السلام زنده شده يك نمونه از رجعت اقوام گذشته و يك سند زنده بر امکان رجعت در آینده است . چه آنانکه زنده شده و مدتی در این جهان زنده مانده اند و چه آنانکه به اعجاز آن حضرت زنده شده و پس از دقایقی به حالت قبلی باز گشته اند که هر دو نوع آن از اقسام رجعت است و اینک دو مورد از آنها را در اینجا می آوریم :

### زنده شدن (سام بن روح ) بوسیله حضرت عیسی علیه السلام

روزی اصحاب حضرت عیسی از او درخواست کردند که مرده ای را زنده کند، حضرت عیسی علیه السلام به قبرستان آمد و بر کنار قبر (سام بن نوح ) ایستاد و فرمود: (ای سام بن نوح ! به اذن خدا برخیز). قبر شکافته شد. همان جمله را تکرار کرد، سام حرکتی کرد. یکبار دیگر تکرار کرد و سام از قبر بیرون آمد.

حضرت عیسی علیه السلام به او فرمود: آیا دوست داری که به قبر بازگردی و یا دوست داری که در میان ما بمانی و زندگی کنی ؟

سام گفت : من به قبر بر می گردم ، زیرا هنوز هم حرارت مرگ را در درون خود احساس می کنم . (۱۰۰)

این يك نمونه که پس از زنده شدن به قبر بازگشته ، و اینک نمونه دیگری که پس از زنده شدن به این جهان بازگشته و بیست سال زندگی نموده ، ازدواج کرده و صاحب فرزند شده است :

زنده شد و بیست سال زندگی کرد

از خدمت امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا در میان کسانی که حضرت عیسی علیه السلام زنده کرده ، افرادی بوده اند که مدتی بمانند و غذا بخورند و ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند؟ فرمود: آری . حضرت عیسی دوستی داشت که گاه و بیگاه به او سر می زد و بر او وارد می شد، مدتی او را ندیده بود، يك روز طبق مرسوم به سراغ او رفت ، مادرش بیرون آمد، حضرت عیسی از او در مورد پسرش جویا شد، مادر گفت پسرم مرده است .

فرمود: آیا دوست داری پسر را ببینی ؟ گفت : آری . فرمود: فردا می آیم و او را به اذن خدا زنده می کنم .

روز بعد حضرت عیسی آمد و به همراه مادر دوستش به کنار قبر او رفتند. حضرت عیسی در کنار قبر ایستاد و دست بر دعا برافراشت و قبر شکافته شد و آن مرد از قبر بیرون آمد.

چون مادر پسرش را دید او را در آغوش کشید و مدتی گریه سر دادند. حضرت عیسی علیه السلام چون این حال دید بر آنها رحم آورد و فرمود: آیا دوست داری که زنده بمانی و با مادرت زندگی کنی ؟

گفت : آیا با مهلت و روزی و زندگی یا بدون آنها؟

فرمود: آری ، با روزی و زندگی و مهلت . مدت بیست سال زنده می مانی ، ازدواج می کنی و صاحب فرزند می شوی .

گفت : بلی می مانم . حضرت عیسی علیه السلام او را به مادرش تحویل داد، او مدت بیست سال زنده ماند و ازدواج کرد و صاحب فرزند شد. <sup>(۱۵۶)</sup>

## داستانهای از بازگشت ائمه علیهم السلام به این دنیا

قصه اصحاب کهف، نمونه ای دیگر  
**(وَ كَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ، قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ، قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ  
بَعْضَ يَوْمٍ، قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ...).**

- (اینچنین آنان را بر انگیختیم تا از یکدیگر بپرسند. یکی از آنها گفت چقدر درنگ کرده اید؟ گفتند: يك روز يا قسمتی از يك روز. گفتند: پروردگارتان داناتر است که چقدر درنگ کرده اید... ). (۱۰۷)  
این آیه در مورد اصحاب کهف است که مدت ۳۰۹ سال در غاری خوابیدند و بعد از ۳۰۹ سال از خواب عمیق دیده گشودند و یکی از آنها برای خرید طعام به شهر در آمد و از سگه ای که در دست او بود رازشان فاش گردید.

قرآن کریم سوره ای را به داستان اصحاب کهف اختصاص داده است .

اصحاب کهف هفت نفر از خداپرستانی بودند که از بت و بت پرستی بیزار بودند و در میان بت پرستان ایمان خود را پنهان می کردند تا پادشاه ستمگر از ایمان آنها مطلع شد و آنها را تهدید به مرگ کرد. شب جمع شدند و در کار خود فکر کردند و تصمیم گرفتند از شهر بیرون روند. سپیده صبح ندیده بود که کاروان توحید از شهر هجرت کرد و در میان راه سگی نیز به دنبال آنها راه افتاد و حراستشان را به عهده گرفت .

کاروان خداپرستان به راه خود ادامه دادند تا به غاری در نزدیکی شهر رسیدند که در نزدیکی آن میوه هائی بود، از میوه ها استفاده کردند و چشمه آبی بود که از آن نوشیدند، آنگاه برای رفع خستگی درون

غار استراحت کردند. طولی نکشید که خواب گرانی بر آنها چیره شد و مدت ۳۰۹ سال تمام، در خواب بودند که ناخن و محاسنشان بلند شده بود و منظره وحشتناکی یافته بودند.

بعد از ۳۰۹ سال بیدار شدند و احساس گرسنگی عجیبی کردند که متوجه تغییر قیافه همدیگر نشدند.

یکی از آنها گفت: ساعت‌های متمادی در خواب بودیم.

دیگری گفت: یک روز خوابیده ایم. سومی گفت: هنوز آفتاب غروب نکرده است، چند ساعت بیشتر خوابیده ایم. چهارمی گفت: خدا بهتر می‌داند که چقدر خوابیده ایم. از این بحث بگذرید و یکی از ما به شهر برود و طعامی تهیه کند ولی باید خیلی احتیاط کند که کسی او را نشناسد.

یکی از آنها به سوی شهر رفت و قیافه شهر را تغییر یافته دید، تا به مغازه ای رفت و متاعی خرید. چون پول در آورد که به فروشنده پردازد، فروشنده بانگ زد ای مردم بیائید این شخص گنجی یافته است. (زیرا پادشاهی که سگه به نام او بود سیصد سال پیش در گذشته بود).

سرانجام مردم از داستان آنها مطلع شدند. پادشاه آن روز که مرد خداشناسی بود برای دیدن آنها به غار رفت و مردم شهر از وضع مطلع شدند و گفتند: شاید خدا ما را از حال ایشان مطلع ساخت تا بدانیم که وعده خدا و داستان رستاخیز حق است.

آنها که از سرگذشت خود مطلع شدند و فرزندان خود را مرده یافتند و ارتباطشان را از خانواده های خود گسسته یافتند از خدا خواستند که آنها را نیز به جوار رحمت خود منتقل سازد. و در يك چشم به هم زدن به صورت اجساد بیجان روی زمین افتادند.

داستان اصحاب کف از شگفتیهای تاریخ است و خود گواه روشنی از قدرت بی نهایت حضرت احدیت و سند زنده ای بر امکان بازگشت انسان به این جهان است ، اگر چه داستان آنها رجعت به معنای اصطلاحی نیست ، زیرا آنها طبق تعبیر قرآن کریم در خواب بودند و (رجعت ) بازگشت پس از مرگ است . ولی در برخی احادیث از آنها مرده تعبیر شده است ، چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید:

(گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشته اند که اصحاب کف از آنهاست که مدت ۳۰۹ سال خداوند آنها را بمیراند و سپس آنها را در زمان قومی که رستاخیز را نمی پذیرفتند برانگیخت تا حجت بر آنها تمام شود). (۱۰۸)

### زنده شدن اولاد حضرت ایوب علیه السلام

(و وَهَبْنَا لَهُ إِهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرَى لِرَأْسِ الْأَلْبَابِ).

(و خانواده اش را به او بخشیدیم ، و همانند آنها را بر آنان افزودیم ، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان ).

حضرت ایوب علیه السلام که در طول دهها قرن مَثَلِ اءِغْلَى و اُسُوهِ بى نظیر صبر و شکیبائی است ، داستان تلخ و شنیدنی دارد و ما در این کتاب بخشی از سرگذشت آن حضرت که ارتباطی با رجعت و بازگشت به

دنیا پس از مرگ دارد را یادآور می شویم :

حضرت ایوب علیه السلام از جهت مال و منال ، ثروت و مقام ، محبوبیت در میان خلق ، خدم و حشم ، باغ و بستان ، از ثروتمندان انگشت شمار جهان بود که ۵۰۰ برده مسئول حراست و حفاظت از گاوهای شخم زن او بود. (۱۰۹)

او را هفت پسر و هفت دختر بود و از هر جهت در آسایش و آرامش بود و شب و روزش را به ستایش پروردگار می گذشت . روزی شیطان به پیشگاه حضرت احدیت عرضه داشت ، سپاس و ستایش حضرت ایوب از این جهت است که همه نعمتها را بر او تکمیل کرده ای اگر این مال و منال و ثروت و اولاد را از او بگیری هرگز زبان به شکر و ستایش باز نمی کند.

خداوند فرمود: اختیار ثروت و اولاد او را به تو سپردم هرچه خواهی انجام بده . شیطان ، اعوان و انصارش را جمع کرده ، همه مزارع و بستانهای او را آتش زد و سقف خانه اش را بر سر اولادش خراب کرد ، حضرت ایوب شکیبائی و صبر را پیشه ساخت و شب و روز خود را چون گذشته ، به ستایش حضرت پروردگار سپری نمود.

روزی شیطان گفت : خدایا! اگر نعمت سلامتی و تندرستی را از او بگیری ، دیگر شکر و سپاس نمی گوید.

خدای تبارک و تعالی برای اینکه مقام والای حضرت ایوب آشکار شود ، فرمود: تو را بر جان او نیز مسلط ساختم ، هر چه خواهی انجام بده ولی هرگز به قلب او راه نیابی ، که مالال از ایمان و عرفان است .

شیطان شب و روز به آزار او پرداخت و او را بیمار و رنجور ساخت ولی او هرگز



زبان به شکایت نگشود و تمام اوقات شبانه روزی به سپاس و ستایش حق تعالی پرداخت . هفت سال تمام بدین منوال گذشت و حضرت ایوب رفع این گرفتاریها را از خدا نخواست ، تا بعضی ها زبان به شماتت گشودند و گفتند: ای ایوب نمی دانیم میان تو و خدا چه گناهی پوشیده است که خداوند این چنین تو را مبتلا ساخته است؟!!

حضرت ایوب دستها را به سوی خدا برافراشت و عرضه داشت (بار خدایا، بدحالی و مشکلات به من روی آورده ؛ و تو مهربان ترین مهربانانی) (۱۶۰) . (اینجا حضرت ایوب رفع گرفتاری را به صراحت از خدا نخواست ، ولی همین مقدار به گرفتاری خود اشاره کرد)، خداوند حاجتش را برآورد، سلامتی و اولادش را به او بازگردانید و به تعداد آنها از دیگر اولادش که قبلاً به اجل طبیعی در گذشته بودند به او باز گردانید. (۱۶۱)

ارتباط داستان حضرت ایوب با مسئله رجعت اینست که مطابق روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، خداوند فرزندان او را زنده کرد و به او عطا فرمود . امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند فرزندان حضرت ایوب را که در این حادثه از بین رفته بودند زنده و نیز فرزندان دیگرش را که قبلاً با اجل طبیعی از دنیا رفته بودند زنده ساخت . (۱۶۲) نقل شده که در ایام ابتلا، روزی همسرش به او گفت :

چرا از خدا نمی خواهی که این گرفتاری را از تو رفع کند؟ فرمود: دوران آسایش و تندرستی ما چقدر شد؟

گفت : هشتاد سال . فرمود: از خدا حیا می کنم که از او رفع بلا را بخواهم ، در صورتی که هنوز

دوران بلای ما به مقدار دوران آسایش نشده است . (۱۶۳)

و اگر مسئله شماتت پیش نمی آمد، شاید هرگز دست به دعا برای خویشتن نمی گشود.

نکته قابل توجه :

(در مورد کیفیت ابتلای حضرت ایوب معروف است که بدنش آنچنان رنجور شد که مردم از او دوری گزیدند، در بدنش کرم به وجود آمد و قیافه اش تغییر یافت و مردم را از میان خود بیرون کردند ولی در این رابطه روایتی از امام باقر علیه السلام رسیده که روشن می کند همه آنها دروغ بوده و واقعیتی نداشته است .

امام باقر علیه السلام فرمود:

(پس از آنهمه گرفتاری و بیماری ، هرگز بدن حضرت ایوب بوی متعفن نداشت ، چهره اش زشت نشد، حتی يك قطره چرك از بدنش خارج نشد، هرگز صورت و قیافه اش کسی را از او دور نساخت و در بدنش کرمی به وجود نیامد، خداوند با پیامبران و اولیاء خود همواره چنین می کند). (۱۶۴)

## بازگشت ائمه عليهم السلام به دنیا در ادعیه و زیارات

زیارت جامعه کبیره  
در کتب ادعیه از جمله ، کتاب شریف بحار الانوار (۱۶۰) و مفاتیح الجنان برای اهل بیت علیهم السلام زیارتی معروف به زیارت جامعه کبیره نقل شده که در فضیلت آن ، همین اندازه کافی است که وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام به سید احمد بن سید هاشم موسوی رشتی (تاجر ساکن رشت ) به خواندن زیارت جامعه تاءکید فرموده اند.

در فرازی از این زیارت آمده است :

... مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ ...

به شما ایمان دارم ، بازگشت شما را باور دارم ، بازگشت شما را [به این دنیا] تصدیق می کنم ، امر شما را انتظار می کشم ، دولت شما را چشم به راهم .  
... وَ رَأَيْبِي لَكُمْ تَبَعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَ يُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ ...

راءى من تابع شماست ، نصرت من برای شما مهیاست ، تا روزیکه خداوند به وسیله شما دینش را احیا کند، و شما را در این روزگار برگرداند، شما را برای پیاده کردن عدالت آشکار سازد و شما را فرمانروای زمین گرداند.

... وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضِي اثَارَكُمْ وَ يَسْأَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْدِي بِهُدْيِكُمْ وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمَلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُسْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ عَدَا بِرُؤْيِكُمْ ...

خداوند مرا از کسانی قرار دهد که از راه شما پیروی می کنند، و گام در جای پای شما می گذارند، و از مشعل هدایت شما هدایت می یابند، و در زمره شما محشور می شوند، و در بازگشت شما باز می گردند، و در دولت شما نصیبی دارند، و در پرتو

دولت امن و سالم شما فضیلت یابند، و در روزگار اقتدار شما نیرو گیرند، و در خاتمه دیدگان‌شان با دیدار جمال شما روشن گردد.

زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله  
در فرازی از زیارت رسول خدا صلی الله  
علیه و آله آمده است :  
**إِنِّي لَمِنَ الْفَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةَ وَلَا أَرْعَمُ إِلَّا مَا  
شَاءَ اللَّهُ**

من به مقام والای شما معتقدم ، به بازگشت شما [به این دنیا] باور دارم ، قدرت خدا را انکار نمی کنم و جز مشیت حضرت پروردگار چیزی اراده نمی کنم .  
(۱۶۶)

زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام  
در فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام ، از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است :

.... فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَ أَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ لِدِينِهِ ، وَ يَبْعَثُكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةَ، وَ لَا أَكْذِبُ لَهُ مَشِيَّةً، وَ لَا أَرْعَمُ أَنْ مَا شَاءَ لَا يَكُونُ ...  
قلب من تسلیم فرمان شماست ، اراده من تابع اراده شماست ، نیروهای من آماده نصرت شماست ، تا خداوندیکه بهترین داورهاست فرمان دهد و شما برانگیخته شوید. امروز من با شمایم ، حتماً با شما هستم . نه با دشمنان شما. من به بازگشت شما باور دارم ، هرگز قدرت خدا را انکار نمی کنم ، مشیت خدا را تکذیب نمی کنم و هرگز من نمی گویم که مشیت خدا عملی نمی شود).  
(۱۶۷)

و در فرازی دیگر از زیارت امام حسین علیه السلام که مخصوص روز سوّم شعبان است چنین آمده است :  
**... الْمَمْدُودُ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ...**

یاری شده با نصرت الهی در روز رجعت . (۱۶۸)

زیارت وارث  
در فرازی از زیارت مشهور وارث که از  
امام صادق علیه السلام وارد شده است ،  
چنین می خوانیم :  
**وَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيَائَهُ وَ رُسُلَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ**  
خدا و فرشتگان و پیامبران را گواه می  
گیرم که من به شما ایمان دارم و بازگشت  
شما را یقین دارم ( ۱۶۹ )

زیارت اربعین  
در فرازی از زیارت اربعین که صفوان از  
امام صادق علیه السلام روایت کرده است ،  
چنین می خوانیم :  
**وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ**  
من گواهی می دهم که به شما ایمان  
آورده ام و به بازگشت شما یقین دارم .  
(۱۷۰)

زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام  
در فرازی از زیارت قمر منیر بنی هاشم  
حضرت ابوالفضل علیه السلام که از امام  
جعفر صادق علیه السلام روایت شده ، چنین  
آمده است :  
**إِنِّي بِكُمْ وَ بِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِمَنْ خَالَفَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ**  
من به شما و بازگشت شما باور دارم و  
به کسانی که با شما مخالفت ورزیدند و  
شما را به قتل رسانیدند از کافران می  
باشم . (۱۷۱)

زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه  
در فرازی از زیارت حضرت ولی عصر (عج)  
در روز نیمه شعبان چنین آمده است :  
**فَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَ بِإِيَابِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ**  
تعالی ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي

ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ، لِإِبْلَغِ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُو  
ادی

اگر پیش از ظهور تو مرگ ، مرا دریابد ،  
به وسیله تو و پدران بزرگوارت به خدای  
تبارک و تعالی متوسل می شوم و از او می  
خواهم که به محمد و آل محمد صلوات  
بفرستد ، و برای من بازگشتی در ظهور تو و  
رجعتی در روزگار تو قرار دهد ، تا به  
مقصود خود در زمینه اطاعت تو نائل شوم و  
دلم از دشمنان تو خنک شود . (۱۷۲)  
و در فرازی از زیارت مخصوص سرداب مقدس  
آمده است :

وَ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَي عِبَادِكَ حَتْمًا، وَ أَقْدَرْتَ بِهِ  
عَلَى خَلِيقَتِكَ رَعْمًا، فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ، ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي ، مُؤْتِزًّا كَفَنِي ،  
حَتَّى أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَي أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ - كَأَنَّهُمْ  
بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ - (۱۷۳)

اگر مرگی که برای بندگان مقدر نموده  
ای ، و دماغ مخلوقات را با آن به خاک  
مالیده ای ، بین من و آن روزگار مبارک  
فاصله شود ، پس مرا به هنگام ظهور او در  
حالی که از قبرم بیرون آمده ، کفنم را  
به خود پیچیده ام ، ظاهر ساز ، تا در  
برابر او شمشیر بزنم و در صفی قرار  
بگیرم که در قرآن اهل آن صف را ستوده ای  
و فرموده ای : - گوئی سد آهنین هستند -  
(۱۷۴)

و در فرازی از زیارت دیگری که مخصوص  
سرداب مقدس است ، چنین می خوانیم :  
وَ أَحْضَرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَ تَأْكِيدِ عَقْدِهِ، بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ،  
وَ وَفَّقَنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ وَ الْمَثْوَى فِي خِدْمَتِهِ، وَ الْمَكْتَبِ فِي دَوْلَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ  
مَعْصِيَتِهِ، فَإِنَّ تَوْفِيقَتِي اللَّهُمَّ قِيلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِيمَنْ يَكْرُ فِي رَجْعَتِهِ، وَ  
يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ، وَ يَتَمَكَّنُ فِي أَيَّامِهِ، وَ يَسْتَنْظِلُ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَ يَحْسُرُ فِي زُمْرَتِهِ،  
وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ، بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ كَرَمِكَ وَ اِمْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ  
خداوندا! مرا در مسجدالحرام و در میان  
رکن و مقام در مراسم پرشکوه بیعت او  
حاضر کن تا با او پیمان ببندم و مرا  
موفق کن تا از او اطاعت کنم و در میان

خدمتگزارانش قرار بگیرم و در حکومت حقّه اش اقامت نمایم و از نافرمانی اش دوری گزینم . خدایا، اگر پیش از ظهور او مرا میراندی ، پس مرا از کسانی قرار بده که به هنگام ظهور او رجعت می کند و در دولت او مسئولیت می پذیرد و در روزگار او نیرو می یابد و در زیر سایه پرچمش قرار می گیرد و در زمره او محشور می شود و دیدگانش با دیدار آن جمال الهی روشن می گردد. به فضل و کرم و مئّت و احسانت ، که تو صاحب فضل بزرگی . (۱۷۰)

و در یکی از فقرات زیارت سرداب مقدّس آمده است :

اللَّهُمَّ ارْنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمُؤْمِنُونَ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ الْمُنُونِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ

خداوندا، سیمای تابناک حجت و ولیّت را در این جهان و در آن سرای به ما بنما. خداوندا، من به رجعت در برابر صاحب این بقعه شریفه ایمان دارم . (۱۷۱)

### زیارت آل یاسین

در فرازی از این زیارت آمده است :

وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا

من گواهی می دهم که رجعت شما حقّ است ، تردیدی در آن نیست . در آن روز است که دیگر کسی را ایمان آوردن سودی نمی بخشد، اگر قبلاً ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری به دست نیاورده باشد. (۱۷۷)

### زیارت رجبیه

زیارتی مخصوص ماه رجب توسط (حسین بن روح نوبختی) سومین سفیر حضرت بقیة الله روحی فداه تعلیم شده که در تمام مشاهده مشرفه با آن زیارت می شود، در یکی از فرازهای آن آمده است :

حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفُوزِ فِي  
 كَرَّتِكُمْ  
 تا در رجعت شما به حضور شما بازگردیم  
 و از درك حضور شما سعادت‌مند شویم .  
 (۱۷۸)

زیارت وداع  
 در یکی از فرازهای زیارت وداع امام  
 حسین علیه السلام که از امام صادق علیه  
 السلام روایت شده چنین آمده است :  
 اَللّٰهُمَّ اَبْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُودًا، تَنْصُرُ بِهِ  
 دِيْنَكَ، وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، وَ تُبَيِّرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ  
 حَرْبًا لِآلِ مُحَمَّدٍ، فَاِنَّكَ وَعَدْتَ ذٰلِكَ، وَ اَنْتَ لَا  
 تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

خداوندا! او را در جایگاه پسندیده ای  
 برانگیز، که به وسیله او دینت را یاری  
 کنی ، به دست او دشمنت را بکشی ، به  
 توسط او هر کسی که با آل محمد صلی الله  
 علیه و آله دشمنی کند ریشه کن نمائی .  
 که تو او را چنین وعده کرده ای ، حاشا  
 تو هرگز خلف وعده نمی کنی . (۱۷۹)



## دعای عهد

امام صادق علیه السلام دعائی به نام دعای عهد تعلیم فرموده ، که هر کس آن را در زمان غیبت چهل روز صبح بخواند از یاران حضرت بقیة الله روحی فداه می شود، و اگر پیش از ظهور از دنیا برود خداوند او را به هنگام ظهور زنده می کند و باز می گرداند. در فرازی از این دعا چنین آمده است :

... اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي ، مُؤْتِرًا كَفَنِي ، شَاهِرًا سَيْفِي ، مُجَرِّدًا فَنَاتِي ، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي ، فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي ...

خدایا، اگر مرگی که بر همه بندگانگانت قطعی و مسلم کرده ای ، میان من و ظهور مولایم جدائی بیندازد، با قدرت بی نهایتت مرا از قبر بیرون بیاور، در حالی که کفنم را به خودم پیچیده ، شمشیرم را از غلاف در آورده ، نیزه ام را به دست گرفته ، دعوت دعوتگری را که در شهر و صحرا بانگ بر می آورد لبیک بگویم . (۱۸۰)

خداوند سبحان در قرآن کریم نمونه هایی بسیار و شواهدی محکم ، برای اثبات وجود رجعت (بازگشت به دنیا) بیان فرموده است .

از آنجا که تفسیر و بیان موارد آیات مربوط به رجعت بسیار زیاد می باشد و در موضوع کتاب حاضر و هدف ما نبوده است ، فقط به صورت فهرست برای علاقمندان ، آیات همراه با مآخذ تفسیری آنها بیان می گردد، عزیزان می توانند برای تحقیق بیشتر به آنها مراجعه فرمایند.

## فهرست آیات مربوط به رجعت

- الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ .... - بقره : ٣ (١٨١)
- وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ... - آل عمران : ٨١ (١٨٢)
- أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.... - آل عمران : ٨٣ (١٨٣)
- وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ... - آل عمران : ١٥٧ (١٨٤)
- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ - آل عمران : ١٨٥ (١٨٥)
- وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.... - نساء : ١٥٩ (١٨٦)
- ... اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ... - مائده : ٢٠ (١٨٧)
- يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ... - انعام (١٨٨) ١٥٨
- وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ... - اعراف : ٩٦ (١٨٩)
- إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ - اعراف : ١٢٨ (١٩٠)
- وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَْعَدِلُونَ - اعراف : ١٥٩ (١٩١)
- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ... - توبه : ٣٣ (١٩٢)
- إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ.... - توبه : ١١١ (١٩٣)
- بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ .... - يونس : ٣٩ (١٩٤)
- وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ.... - يونس : ٥٤ (١٩٥)
- وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ..... - هود : ٨ (١٩٦)
- مُسَوَّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَ مَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ - هود : ٨٣ (١٩٧)
- .... وَ ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ - ابراهيم : ٥ (١٩٨)
- رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ - حجر : ٢ (١٩٩)
- قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ.... - حجر ٣٦ - ٣٨ (٢٠٠)
- .... فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ - نحل : ٢٢ (٢٠١)
- وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَ عَدَا عَلَيْهِ.... - نحل : ٣٨ (٢٠٢)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا -  
اسراء: ٦ (٢٠٣)

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا - اسراء: ٧٢  
(٢٠٤)

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ... -  
مريم: ٧٥ (٢٠٥)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا - طه: ١٢٤ (٢٠٦)  
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .... - انبياء: ٣٥ (٢٠٧)

وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنْهُمْ لَا يَرْجِعُونَ - انبياء: ٩٥ (٢٠٨)  
وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ -  
انبياء: ١٠٥ (٢٠٩)

حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ - مؤمنون: ٧٧  
(٢١٠)

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... - نور:  
٥٥ (٢١١)

إِنْ نَشَأْ نُنزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ - شعرا: ٤  
(٢١٢)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ .... - نمل: ٨٢  
(٢١٣)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ - نمل: ٨٣  
(٢١٤)

... سِيرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ - نمل: ٩٣ (٢١٥)  
وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ... -  
قصص: ٥ (٢١٦)

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ - قصص: ٦١ (٢١٧)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ... - قصص: ٨٥ (٢١٨)  
وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ - سجده: ٢١  
(٢١٩)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ - سجده: ٢٩ (٢٢٠)  
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ -  
سباء: ٢٨ (٢٢١)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ -  
يس: ٥٢ (٢٢٢)

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا ائْتِنَّا وَ اَحْيَيْتَنَا ائْتِنَّا فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا... - غافر: ١١ (٢٢٣)  
إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ - غافر: ٥١  
(٢٢٤)

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ - غافر: ٨١ (٢٢٥)  
.... وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ - شورى:  
٤٤ (٢٢٦)

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ - دخان: ١٠ (٢٢٧)

وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا.....  
احقاف : ١٥ (٢٢٨)

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا....- جائيه : ١٤  
(٢٢٩)

وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ....- ق : ٤١ و  
٤٢ (٢٣٠)

يَوْمَ تَسْفُقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ- ق : ٤٤ (٢٣١)  
يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ دُوفُوا فَنَتَنَكُمُ....- ذاريات : ١٣ و ١٤ (٢٣٢)  
وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ- ذاريات : ٢٢ (٢٣٣)  
وَ إِنِّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ- طور : ٤٧ (٢٣٤)  
مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ- قمر : ٨ (٢٣٥)  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ.....- ممتحنة : ١٣ (٢٣٦)  
سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ- قلم : ١٦ (٢٣٧)  
تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ- معارج : ٤  
(٢٣٨)

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ....- جن : ٢٤ (٢٣٩)  
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ- مدثر : ١ و ٢ (٢٤٠)  
نَذِيرًا لِلْبَشَرِ- مدثر : ٣٦ (٢٤١)  
يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا - نباء : ١٨ (٢٤٢)  
يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّجِيفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ- نازعات : ٦ (٢٤٣)  
قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ- نازعات : ١٢ (٢٤٤)  
ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ كَلًّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ- عبس : ٢٢ و ٢٣ (٢٤٥)  
إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ- طارق : ٨ (٢٤٦)  
فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا- طارق : ١٧ (٢٤٧)  
وَ الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا. وَ الْقَمَرُ إِذَا تَلَاها. وَ النَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا....- شمس : ١ -  
(٢٤٨) ٤

فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا- شمس : ١٤ (٢٤٩)  
وَ لَأَخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى - ضحى : ٤ (٢٥٠)  
كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ . ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ- تكاثر : ٣ و ٤ (٢٥١)

## داستانهایی از بازگشت ائمه علیهم السلام به این دنیا

### پی نوشتها

- ۱- فرهنگ عمید: ۱/۵۲۲.
- ۲- مجمع البحرین: ۴/۳۳۳.
- ۳- نورالثقلین: ج ۴، ص ۱۰۰.
- ۴- بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۱.
- ۵- بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
- ۶- الايقاظ: ص ۱۲۰.
- ۷- الايقاظ: ص ۶۰.
- ۸- بیان الفرقان: ج ۵، ص ۲۷۵.
- ۹- مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۳۵.
- ۱۰- اندیشه های کلامی شیخ مفید: ص ۳۵۵.
- ۱۱- تفسیر نور الثقلین: ج ۳، ص ۱۴۰.
- ۱۲- حق الیقین (علامه مجلسی): ص ۳۵۴.
- ۱۳- تفسیر البرهان: ج ۲، ص ۴۰۷.
- ۱۴- گیاهی است شبیه به ترب، اما کوچکتر. (فرهنگ عمید)
- ۱۵- حق الیقین (علامه مجلسی): ص ۳۶۸.
- ۱۶- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۴۶.
- ۱۷- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۶۲.
- ۱۸- هر چیز دو رنگ، خصوصاً سیاه و سفید را گویند.
- ۱۹- سوره اعراف: آیه ۹۶.
- ۲۰- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۶۲.
- ۲۱- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۴۳، ح ۱۳.
- ۲۲- کامل الزیارات: ص ۸۸.
- ۲۳- تفسیر فرات: ص ۲۰۳.
- ۲۴- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۴۶ / تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۰۸.

- ۲۵- سوره اسراء: آیه ۶ .
- ۲۶- کلاه آهنی ، کلاه فلزی که در جنگ بر سر می گذارند. (فرهنگ عمید).
- ۲۷- حضرت مهدی علیه السلام همانند دیگر ائمه علیهم السلام پس از رحلتشان قبل از قیامت به دنیا باز می گردند. (پس از این روایتی را در این مورد متذکر خواهیم شد).
- ۲۸- بحارالانوار: ج ۵۱، ص ۵۶ / کافی : ج ۸، ص ۲۰۶ .
- ۲۹- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۴۴، ح ۱۶ / حق الیقین : ص ۳۴۱ .
- ۳۰- سوره نساء: آیه ۱۵۹ .
- ۳۱- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۵۰ / حق الیقین : ص ۳۴۱ .
- ۳۲- سوره انبیاء: آیه ۹۵ .
- ۳۳- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۵۲ و ۶۰ و ۱۱۸ و ج ۹۰، ص ۸۵ .
- ۳۴- سوره حجر: آیه ۲ .
- ۳۵- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۶۴ .
- ۳۶- بحارالانوار: ج ۵۱، ص ۵۷ .
- ۳۷- کامل الزیارات : ص ۶۳ / تفسیر نور الثقلین : ج ۳، ص ۱۳۸ .
- ۳۸- مستدرک : ج ۳، ص ۴۱۴ / اثبات الهداة : ج ۷، ص ۱۰۲ و ۱۰۵ .
- ۳۹- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۶۱ .
- ۴۰- سوره ص : آیه ۷۹ الی ۸۱ .
- ۴۱- نظر مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه :
- (... روز معین ، روزیست که خدای تبارک و تعالی اجتماع بشری را اصلاح خواهد فرمود، ریشه فساد را قطع خواهد کرد، دیگر کسی جز خدا را نخواهد پرستید. آن روز پایان مهلت ابلیس است). تفسیر المیزان : ج ۱۲، ص ۱۶۸ .
- ۴۲- سوره حجر: آیه ۳۶ - ۳۸ .

- ۴۳- سلاح ، آلت جنگ از قبیل شمشیر و خنجر و سرنیزه .
- ۴۴- مرحوم مجلسی در کتاب حق الیقین : ص ۳۴۱ می فرماید: چهل و چهار هزار فرزند از صلب علی علیه السلام متولد شود و همه پسر، هر سال يك فرزند.
- ۴۵- بحار: ج ۵۳، ص ۴۲، ج ۱۲ / حق الیقین مرحوم مجلسی رحمه الله علیه ص ۳۴۱ .
- ۴۶- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۵۹ و ۱۰۸ و ۱۲۷ و ۱۲۹ .
- ۴۷- سوره آل عمران : آیه ۸۱ .
- ۴۸- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۷۰ .
- ۴۹- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۷۴ .
- ۵۰- (... قال بعض علمائنا فی کتاب کتبه فی الرجعة ان للقائم علیه السلام ایضا رجعة بعد موته (...).
- بحار الانوار: ج ۲۵، ص ۱۰۸ .
- ۵۱- حق الیقین (علامه مجلسی) : ص ۳۵۴ .
- ۵۲- طه : آیه ۱۲۴ .
- ۵۳- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۵۱ .
- ۵۴- غاٹ .
- ۵۵- سوره طه : آیه ۱۲۴ .
- ۵۶- شعراء : ۴ .
- ۵۷- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۰۹ / ارشاد مفید: ص ۳۵۹ .
- ۵۸- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۴۶ - ۴۹ و الزام النَّاصِب : ج ۲، ص ۳۶۱ - ۳۶۳ .
- ۵۹- سوره نمل : آیه ۸۲ .
- ۶۰- الزام النَّاصِب : ج ۲، ص ۳۴۷ / بحار: ج ۳۹، ص ۲۴۲ .
- ۶۱- بحار الانوار: ج ۳۹، ص ۲۴۳ و بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۳۹ و ۵۲ .
- ۶۲- بحار الانوار: ج ۶، ص ۳۰۰ .
- ۶۳- بحار الانوار: ج ۴۰، ص ۳۸ و بصائر الدَّرَجَات : ص ۱۵۰ .
- ۶۴- نور الثَّقَلین : ج ۴، ص ۹۹، مجمع البیان : ج ۷، ص ۲۳۴ و بحار الانوار: ج ۶، ص ۳۰۰ .
- ۶۵- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۹۴ / کمال الدِّین : ج ۲، ص ۵۲۷ .

- ٦٦- بحار الانوار: ج ٤١، ص ٥ .
- ٦٧- كتاب اسرار آل محمد صلى الله عليه و آله (سليم بن قيس): ص ٦٨ / ايقاظ: ص ٣٦٦ .
- ٦٨- تاء ويل الايات : ٤٠١ / نور الثقلين : ج ٤، ص ١٠١ .
- ٦٩- مجمع البيان : ج ٧، ص ٢٣٤ .
- ٧٠- سورة قصص : آيه ٥ .
- ٧١- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ١٠٢ / تفسير قمى : ج ٢، ص ٢٩٦ .
- ٧٢- سورة قصص : آيه ٥ .
- ٧٣- معانى الاخبار: ص ٧٩ .
- ٧٤- ارشاد: ج ٢، ص ١٨٠ / تفسير برهان : ج ٣، ص ٢١٨ / مجمع البيان : ج ٧، ص ٢٣٩ .
- ٧٥- نهج البلاغه كلمات قصار: رقم ٢٠٩ / شرح نهج البلاغه : ج ١٩، ص ٢٩ .
- ٧٦- سورة قصص : آيه ٨٥ .
- ٧٧- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ٤٦ / تفسير برهان : ج ٣، ص ٢٣٩ .
- ٧٨- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ٥٦ .
- ٧٩- تفسير قمى : ج ٢، ص ١٤٧ / نور الثقلين : ج ٤، ص ١٤٤ .
- ٨٠- (ثَوِيَه) نام سرزميني در نواحى (كوفه) است ، كه قبر ابوموسى اشعري آنجاست .
- مستدرک سفینه : ج ١، ص ٤٢٩ .
- ٨١- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ١١٣ .
- ٨٢- تفسير قمى : ج ٢، ص ١٧١ / نور الثقلين : ج ٤، ص ٢٣٣ .
- ٨٣- سورة يس : آيه ٥٢ .
- ٨٤- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ٨٩ .
- ٨٥- احقاف : ١٥ .
- ٨٦- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ١٠٢ / تفسير قمى : ج ٢، ص ٢٩٦ .
- ٨٧- سورة ممتحنه : آيه ١٣ .
- ٨٨- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ٦٠ / تاء ويل الايات : ص ٦٥٩ .
- ٨٩- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ٨١ .
- ٩٠- سورة قلم : آيه ١٦ .
- ٩١- بحار الانوار: ج ٥٣، ص ١٠٣ / نور الثقلين : ج ٥، ص ٣٩٤ .



- ٩٢- نورالثقلين : ج ٥ ، ص ٣٩٥ .
- ٩٣- بحارالانوار: ج ٣٩ ، ص ٣٤٣ و ج ٥٣ ص ١١٩ /  
نورالثقلين : ج ٤ ، ص ٩٧ .
- ٩٤- معارج : ٤ .
- ٩٥- بحارالانوار: ج ٥٣ ، ص ١٠٤ / الايقاظ: ص ٣٦٨ .
- ٩٦- تفسير برهان : ج ٢ ، ص ٤٠٨ . ايقاظ: ص ٣٦٠ .
- ٩٧- كامل الزيارات : ص ٣٣٤ / بحارالانوار: ج ٢٨ ،  
ص ٦٤ / تاءويل الايات : ٨٤٠ .
- ٩٨- بحارالانوار: ج ٥٢ ، ص ٣١٤ و ج ٥٣ ، ص ٩٠ .
- ٩٩- دلائل الامامه : ص ٢٤٧ .
- ١٠٠- بحارالانوار: ج ٥٣ ، ص ٩٢ / غيبه شيخ طوسي :  
ص ٤٥٨ / منتخب الانوار: ص ٣٦ .
- ١٠١- بحارالانوار: ج ١٠٢ ، ص ١١١ و ج ٥٣ ، ص ٩٦ .  
دعاى عهد در كتاب شريف مفاتيح الجنان مذكور است  
، و همچنين در كتاب ملاقات جوانان با صاحب الزمان  
عليه السلام ( ) و كتاب قصص الحجتيه ( ) (تاءليف :  
حجة الاسلام قاسم ميرخلف زاده ) كه جزو كتب  
انتشارات مهدى يار است ، ذكر شده است .
- ١٠٢- بحارالانوار: ج ٥٣ ، ص ٤١ و ٥٠ و ٦١ .
- ١٠٣- بحارالانوار: ج ٥٣ ، ص ٧٠ .
- ١٠٤- سوره مريم : آيه ٥٤ .
- ١٠٥- كامل الزيارات : ص ٦٥ / بحارالانوار: ج ٥٣ ،  
ص ١٠٥ .
- ١٠٦- طول عمر امام زمان : ص ٩٦ / يوم الخلاص : ص  
١٥٧ .
- ١٠٧- غيبه شيخ طوسي : ص ١٠٨ / كمال الدين : ج  
٢ ، ص ٣٥٧ .
- ١٠٨- بحارالانوار: ج ١٢ ، ص ١٧٢ - ٢١٥ و ج ١٣ ، ص  
٢٧٨ - ٣٢٢ .
- ١٠٩- كمال الدين : ج ٢ ، ص ٣٩٠ / بحارالانوار: ج  
١٣ ، ص ٢٩٩ .
- ١١٠- بحارالانوار: ج ٥٢ ، ص ١٥٨ / غيبه نعمانى :  
ص ٩٩ / غيبه شيخ طوسي : ص ١٠٢ .
- ١١١- بحارالانوار: ج ٥٣ ، ص ٦٢ .
- ١١٢- ارشاد مفيد: ص ٢٧١ .
- ١١٣- الزام الناصب : ج ٢ ، ص ٣٦٤ / بحارالانوار:  
ج ٢٥ ، ص ١٠٨ .

- ١١٤- ايفاظ: ص ٣٦١ .
- ١١٥- بحارالانوار: ج ٩٥، ص ٣٣٢ و ج ١٠٢، ص ١١٥ .  
(اللهم صل على ولاة عهده و الائمة من بعده و... .)
- ١١٦- بحارالانوار: ج ٢٥، ص ١٠٨ .
- ١١٧- كامل الزيارات : ص ٣٣٤ و دلائل الامامه : ص ٢٩٧ .
- ١١٨- سوره اسراء: آيه ٥ .
- ١١٩- سوره قصص: آيه ٥ .
- ١٢٠- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ١٤٣ / الزام الناصب : ج ٢، ص ٣٣٣ .
- ١٢١- تفسير صافى : ج ٣، ص ٢٣٨ / ارشاد مفيد: ص ٣٦٥ .
- ١٢٢- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٨٥ .
- ١٢٣- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩١ / تفسير عياشى : ج ٢، ص ٣٢ .
- ١٢٤- المحجّه : ص ٧٦ و دلائل الامامه : ص ٢٤٧ .
- ١٢٥- تفسير عياشى : ج ٢، ص ٣٢ / تفسير نورالثقلين : ج ٢، ص ٨٥ / تفسير الميزان : ج ١٣، ص ٣١٠ .
- ١٢٦- كافي : ج ٨، ص ٣١٨ .
- ١٢٧- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩١ و ج ٥٢، ص ٣٤٦ / تفسير عياشى : ج ٢، ص ٣٢ .
- ١٢٨- دلائل الامامه : ص ٢٤٨ .
- ١٢٩- مستدرک سفينه : ج ٤، ص ١٢٦ .
- ١٣٠- دلائل الامامه : ص ٢٤٧ / تفسير عياشى : ج ٢، ص ٣٢ .
- ١٣١- بحارالانوار: ج ١٣، ص ٣٦٦ .
- ١٣٢- امالى صدوق : ص ١٩٢ و بحارالانوار: ج ١٣، ص ٣٧٦ .
- ١٣٣- ارشاد مفيد: ص ٣٦٥ / بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩١ .
- ١٣٤- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩١ / تفسير عياشى : ج ٢، ص ٣٢ .
- ١٣٥- الملاحم والفتن : ص ٢٠٣ / دلائل الامامه : ص ٣٠٩ و ٣١٩ .
- ١٣٦- زخرف : ٥٧ .
- ١٣٧- تفسير برهان : ج ٤، ص ١٥١ / الزام الناصب : ج ٢، ص ٣١٧ .

- ۱۳۸- سورة بقره : آيه ۵۶ .
- ۱۳۹- بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۷۲ و ۱۲۷ .
- ۱۴۰- تفسير برهان : ۱۰۸/۱ - ۱۱۲ / تفسير صافى : ۱۲۴/۱ .
- ۱۴۱- تفسير صافى : ۱۲۹/۱، تفسير برهان : ۱۱۰/۱
- ۱۴۲- منظور گاوى است كه خريدند و كشتند و زبان آن را به مقتول زدند.
- ۱۴۳- تفسير برهان : ج ۱، ص ۱۱۱ / تفسير عياشى : ج ۱، ص ۴۶ .
- ۱۴۴- تفسير برهان : ج ۱، ص ۱۱۰ .
- ۱۴۵- سورة بقره : آيه ۲۴۳ .
- ۱۴۶- نورالثقلين : ج ۱، ص ۲۴۱ .
- ۱۴۷- مستدرک : ج ۶، ص ۳۵۳ / بحارالانوار: ج ۱۳، ص ۳۸۱ الى ۳۸۶ و ج ۵۳، ص ۷۴ .
- ۱۴۸- سورة بقره : آيه ۲۵۹ .
- ۱۴۹- مجمع البيان : ج ۱، ص ۳۷۰ .
- ۱۵۰- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۷۲ / كمال الدين : ج ۱، ص ۲۲۶ .
- ۱۵۱- سورة بقره : آيه ۲۶۰ .
- ۱۵۲- نورالثقلين : ج ۱، ص ۲۸۰ .
- ۱۵۳- علل الشرايع : ج ۲، ص ۵۸۵ / نورالثقلين : ج ۱، ص ۲۷۸ .
- ۱۵۴- سورة آل عمران : آيه ۴۹ .
- ۱۵۵- بحارالانوار: ج ۱۴، ص ۲۳۳ .
- ۱۵۶- نورالثقلين : ج ۱، ص ۳۴۳ / بحارالانوار: ج ۱۴، ص ۲۳۳ .
- ۱۵۷- سورة كهف : آيه ۱۹ .
- ۱۵۸- تفسير صافى : ج ۳، ص ۲۳۷ . بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۲۹ .
- ۱۵۹- كشاف : ج ۳، ص ۱۳۱ / بحارالانوار: ج ۱۲، ص ۳۵۶ .
- ۱۶۰- سورة انبياء : آيه ۸۳ .
- ۱۶۱- بحارالانوار: ج ۱۲، ص ۳۴۲ - ۳۷۲ / الميزان : ج ۱۷، ص ۲۱۲ - ۲۱۵ .
- ۱۶۲- الميزان : ج ۱۷، ص ۲۱۵ و ج ۱۴، ص ۳۱۸ / بحارالانوار: ج ۱۲، ص ۳۴۶ .
- ۱۶۳- كشاف : ج ۳، ص ۱۳۱ .

- ١٦٤- بحارالانوار: ج ١٢، ص ٣٤٨ / تفسير صافى : ج ٤، ص ٣٠٣ .
- ١٦٥- بحارالانوار: ج ١٠٢، ص ١٤٤ .
- ١٦٦- بحارالانوار: ج ١٠٠، ص ١٨٩ / الزام النَّاصِب : ج ٢، ص ٣٥٨ .
- ١٦٧- بحارالانوار: ج ١٠١، ص ١٦٩ .
- ١٦٨- بحارالانوار: ج ١٠١، ص ٣٤٧ و ج ٥٣، ص ٩٤ / الزام النَّاصِب : ج ٢، ص ٣٥٧ .
- ١٦٩- بحارالانوار: ج ١٠١، ص ٢٠٠ و ج ٥٣، ص ٩٤ .
- ١٧٠- بحارالانوار: ج ١٠١، ص ٣٣٢ .
- ١٧١- بحارالانوار: ج ١٠١، ص ٢١٨ و ٢٧٧ .
- ١٧٢- بحارالانوار: ج ١٠٢، ص ١١٨ .
- ١٧٣- سورة صف : آيه ٤ .
- ١٧٤- بحارالانوار: ج ١٠٢، ص ١٠٣ .
- ١٧٥- بحارالانوار: ج ١٠٢، ص ٨٧ .
- ١٧٦- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩٥ .
- ١٧٧- بحارالانوار: ج ١٠٢، ص ٨٢ و ٩٤ .
- ١٧٨- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩٤ .
- ١٧٩- كافي : ج ٤، ص ٥٧٤ .
- ١٨٠- بحارالانوار: ج ٥٣، ص ٩٥ .
- ١٨١- الزام النَّاصِب : ٣٤٠/٢ .
- ١٨٢- تفسير عياشى : ١٨١/١ - تفسير برهان :
- ٢٩٥/١ - بحار: ٤١/٥٣ و ٥٠ و ٦١ .
- ١٨٣- تفسير عياشى : ١٨٣/١ - بحار: ٥٠/٥٣ - تفسير نورالثقلين : ٣٦٢/١ .
- ١٨٤- تفسير عياشى : ١٨٣/١ - نورالثقلين : ٣٦٢/١ - بحار: ٥٠/٥٣ .
- ١٨٥- بحار: ٧١/٥٣ - تفسير صافى : ٣٧٤/١ .
- ١٨٦- تفسير صافى : ٤٨٠/١ - مجمع البيان : ١٣٧/٣ .
- ١٨٧- الزام النَّاصِب : ٣٣٠/٢ - بحار: ٤٦/٥٣ .
- ١٨٨- نورالثقلين : ٧٨٢/١ - تفسير صافى : ١٧٣/٢ .
- ١٨٩- بحار: ٦٣/٥٣ .

- ١٩٠- تفسير برهان : ٢٧/٢ - نورالثقلين : ٥٧/٢ - الزام الناصب : ٣٣١/٢ .
- ١٩١- مجمع البيان : ٤٨٩/٤ .
- ١٩٢- بحار: ٦٤/٥٣ - تفسير برهان : ١٢١/٢ .
- ١٩٣- نورالثقلين : ٢٧٢/٢ - تفسير برهان : ١٦٣/٢ - مجمع البيان : ٧٦/٥ .
- ١٩٤- تفسير برهان : ١٨٦/٢ - بحار: ٥١/٥٣ - الزام الناصب : ٣٤٤/٢ .
- ١٩٥- تفسير صافي : ٤٠٦/٢ - الزام الناصب : ٣٤٤/٢ - بحار: ٥١/٥٣ .
- ١٩٦- غيبت نعماني : ٢٤١ - تفسير صافي : ٤٣٣/٢ - تفسير برهان : ٢٠٩/٢ .
- ١٩٧- بحار: ٨٤/٥٣ .
- ١٩٨- تفسير برهان : ٣٠٥/٢ - تفسير صافي : ٨٠/٣ - الميزان : ١٦/١٢ .
- ١٩٩- بحار: ٦٤/٥٣ - تفسير برهان : ٣٢٥/٢ .
- ٢٠٠- تفسير الميزان : ١٦٦/١٢ .
- ٢٠١- بحار: ١١٨/٥٣ - تفسير عياشي : ٢٥٧/٢ - تفسير برهان : ٣٦٣/٢ .
- ٢٠٢- الزام الناصب : ٣٤٦/٢ - نورالثقلين : ٥٤/٣ - تفسير برهان : ٣٦٨/٢ .
- ٢٠٣- روضه كافي : ٣/٢ - بحار: ٥٦/٥١ و ٩٣/٥٣ - نورالثقلين : ١٣٨/٣ .
- ٢٠٤- بحار: ٦٧/٥٣ - الزام الناصب : ٣٤٦/٢ - تفسير برهان : ٤٣٣/٢ .
- ٢٠٥- بحار: ٨٩/٥٣ .
- ٢٠٦- الزام الناصب : ٣٤٦/٢ - بحار: ٥١/٥٣ .
- ٢٠٧- بحار: ٦٦/٥٣ - نورالثقلين : ٤٢٩/٣ .
- ٢٠٨- تفسير برهان : ٧١/٣ - نورالثقلين : ٤٥٨/٣ - بحار: ٦١/٥٣ .
- ٢٠٩- الزام الناصب : ٣٢٥/٢ - بحار: ١٠٢/٥٣ .
- ٢١٠- بحار: ٦٤/٥٣ - نورالثقلين : ٥٥٠/٣ - الميزان : ٥٤/١٥ .

- ٢١١- مجمع البيان : ١٥٢/٧ - الايقاظ : ٧٤ .
- ٢١٢- بحار : ١٠٩/٥٣ - تفسير برهان : ١٨٠/٣ .
- ٢١٣- بحار : ٢٤٢/٣٩ - نورالثقلين : ٩٨/٤ - مجمع  
البيان : ٢٣٤/٧ .
- ٢١٤- الميزان : ٤٣٦/١٥ - بحار : ٥١/٥٣ -  
نورالثقلين : ١٠٠/٤ .
- ٢١٥- تفسير صافي : ٧٩/٤ - بحار : ٥٣/٥٣ -  
نورالثقلين : ١٠٦/٤ .
- ٢١٦- نورالثقلين : ١١٠/٤ - معاني الاخبار : ٧٩ -  
تفسير صافي : ٨٠/٤ .
- ٢١٧- الزام الناصب : ٣٤٧/٢ - بحار : ٧٦/٥٣ -  
تفسير برهان : ٢٣٤/٣ .
- ٢١٨- بحار : ٥٣/ ص ٤٦ و ٥٦ و ج ٨٧/٩٣ - الميزان  
: ٩٨/١٦ - نورالثقلين : ١٤٤/٤ .
- ٢١٩- مجمع البيان : ٣٣٢/٨ - الميزان : ٢٨٦/١٦ -  
تفسير صافي : ١٥٨/٤ .
- ٢٢٠- نورالثقلين : ٢٣٣/٤ - تفسير صافي : ١٦٠/٤ .
- ٢٢١- تفسير برهان : ٢٤٠/٣ - بحار : ١١٣/٥٣ و  
٤٢/٥٣ .
- ٢٢٢- بحار : ٨٩/٥٣ - الزام الناصب : ٣٤٨/٢ -  
نورالثقلين : ٣٨٨/٤ - تفسير برهان : ١٢/٤ .
- ٢٢٣- بحار : ٥٦/٥٣ - نورالثقلين : ٥١٣/٤ -  
الغدير : ٢٥٨/٢ - مجالس : ١٣٠ .
- ٢٢٤- الزام الناصب : ٣٣٨/٢ - بحار : ٦٥/٥٣ -  
نورالثقلين : ٥٢٦/٤ .
- ٢٢٥- بحار : ٥٦/٥٣ - الزام الناصب : ٣٣٩/٢ .
- ٢٢٦- تفسير برهان : ١٢٩/٤ - الايقاظ : ٩٣ .
- ٢٢٧- بحار : ٥٧/٥٣ - نورالثقلين : ٦٢٧/٤ - الزام  
الناصر : ٣٥٠/٢ .
- ٢٢٨- بحار : ١٠٢/٥٣ - الزام الناصب : ٣٣٩/٢ -  
نورالثقلين : ١١/٥ .
- ٢٢٩- تفسير كبير : ٢٦٢/٢٧ - الزام الناصب :  
٣٥٠/٢ .
- ٢٣٠- بحار : ٦٥/٥٣ - الزام الناصب : ٣٥٠/٢ -  
نورالثقلين : ١١٩/٥ .

- ٢٣١- بحار: ٥٨/٥٣ - الزام الناصب : ٣٥٠/٢ - نورالثقلين : ١١٩/٥ .
- ٢٣٢- الزام الناصب : ٣٥١/٢ - تفسير برهان : ٢٣١/٤ .
- ٢٣٣- الزام الناصب : ٣٥١/٢ - تفسير برهان : ٢٣٢/٤ - نورالثقلين : ١٢٤/٥ .
- ٢٣٤- بحار: ١٠٣/٥٣ - نورالثقلين : ١٤٣/٥ - الزام الناصب : ٣٥١/٢ .
- ٢٣٥- تفسير صافى : ١٠٠/٥ - تفسير برهان : ٢٦٠/٤ .
- ٢٣٦- بحار: ٦٠/٥٣ - تفسير برهان : ٣٢٧/٤ .
- ٢٣٧- بحار: ١٠٣/٥٣ - تفسير برهان : ٣٧١/٤ - تفسير صافى : ٢١٠/٥ .
- ٢٣٨- بحار: ١٠٤/٥٣ - الزام الناصب : ٣٥٣/٢ - تفسير برهان : ٣٨٣/٤ .
- ٢٣٩- بحار: ٤٩/٥١ و ٨٩/٥٣ - تفسير صافى : ٢٣٨/٥ - الايقاظ: ٩٦ .
- ٢٤٠- بحار: ١٠٣/٥٣ - الزام الناصب : ٣٥٣/٢ - نورالثقلين : ٤٥٣/٥ .
- ٢٤١- بحار: ٤٢/٥٣ و ٦٤ - تفسير برهان : ٣٩٩/٥ - تفسير بصائر: ٤٢٦/٥٠ .
- ٢٤٢- بحار: ١٠٣/٥٣ .
- ٢٤٣- بحار: ١٠٦/٥٣ - تفسير بصائر: ١٤٩/٥٠ - الايقاظ: ٣٨٢ .
- ٢٤٤- بحار: ٤٥/٥٣ - تفسير برهان : ٤٢٥/٤ - الزام الناصب : ٣٥٤/٢ .
- ٢٤٥- بحار: ٩٩/٥٣ - الزام الناصب : ٣٥٤/٢ - نورالثقلين : ٥١٠/٥ .

- ٢٤٦- نورالثقلين : ٥٥٢/٥ - تفسير برهان : ٤٤٩/٤  
- تفسير بصائر: ٣٥٥/٥٤ .  
٢٤٧- بحار: ٥٨/٥٣ - الزام الناصب : ٣٥٤/٢ -  
نورالثقلين : ٥٥٣/٥ .  
٢٤٨- تفسير فرات : ٢١٢ - تفسير بصائر: ٩٣/٥٦ -  
الزام الناصب : ٣٤٠/٢ .  
٢٤٩- الزام الناصب : ٣٥٥/٢ - بحار: ١٢٠/٥٣ -  
تفسير برهان : ٤٦٨/٤ .  
٢٥٠- بحار: ٥٩/٥٣ - نورالثقلين : ٥٩٤/٥ - تفسير  
بصائر: ٥١٧/٥٦ .  
٢٥١- بحار: ١٠٧/٥٣ و ١٢٠ - الزام الناصب :  
٣٥٥/٢ .



## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	2
رجعت .....	2
حادثه بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام	5
خبر دادن امام حسین علیه السلام از بازگشت خویش به دنیا .....	6
(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا...)	8
برگشتن حضرت عیسی علیه السلام در عهد امام زمان علیه السلام .....	12
آخرین برگشت علی علیه السلام به دنیا و کشته شدن شیطان .....	15
پیامبران ، علی علیه السلام را یاری خواهند کرد .....	17
جنگ صفین در رجعت .....	18
زندگی سخت برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام در رجعت .....	19
علی علیه السلام در زیباترین صورت ظاهر می شود .....	23
عصای موسی علیه السلام در دست علی علیه السلام .....	24
علی علیه السلام خود را معرفی می کند .....	25
زنده شدن گروهی هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام .....	26
رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام همدیگر را ملاقات می کنند .....	29
منکران و ملحدان برای کیفر شدن باز می گردند .....	29
داستانهایی از بازگشت ائمه علیهم السلام به این دنیا .....	33
چه کنیم که ما نیز زنده شویم .....	37
کسانی که در روایات به صراحت از آنان نام برده شده است که به دنیا باز می گردند .....	37
چرا حضرت خضر زنده است ؟ .....	39
همه امامان علیهم السلام به دنیا بر می گردند .....	40

42	بازگشت جناب سلمان
43	بازگشت جناب مقداد
44	بازگشت ابودجانہ انصاری
	بازگشت مالک اشتر یار با وفای امیرمؤمنان
45	علیه السلام
45	بازگشت مفضل بن عمر
45	بازگشت حمران بن اعین
46	بازگشت مؤمن آل فرعون
47	بازگشت یوشع بن نون
	اصحاب کھف جزء یاران حضرت مهدی علیہ
48	السلام
	نمونه هایی از بازگشت به دنیا که در
49	زمانهای گذشته واقع شده است
52	دو نکته قابل توجه
	قصه حضرت عزیز، نمونه دیگر از بازگشت به
55	دنیا
	قصه حضرت ابراهیم و چهار مرغ ، نمونه ای
57	دیگر
	زنده شدن (سام بن روح ) بوسیله حضرت عیسی
59	علیه السلام
	داستانهایی از بازگشت ائمه علیهم السلام
61	به این دنیا
63	زنده شدن اولاد حضرت ایوب علیہ السلام
	بازگشت ائمه علیهم السلام به دنیا در
67	ادعیه و زیارات
73	دعای عهد
74	فهرست آیات مربوط به رجعت
77	پی نوشتها
89	فهرست مطالب